

عمده لاهور رسیده از آنجمله مقبره سید نوانده شستری بمارت نفیس و متین
 بناغ بسیار عمده و کهنه و رنگین تعمیر و تعریض نمود آخرش بمصدق کل من
 علیها فان سید محمد منصور بمقام جیپور در مسئله هجری از پنجهان فانی بجالم جاودا
 انتقال کردند تاریخ وفات برین اعداد معدود است ع صد باعدا ائمه و در
 عشرین بود و منتظم الدوله لقب حکیم مهد علی خان نست واضح باد که چون
 بعد وفات خازمی الدین حیدر بادشاه منصوب او ده منصب سلطنت بر سر پیش
 نصیر الدین حیدر قرار یافت نواب معتمد الدوله آغا میر رامقید و محبوب س ساختند و
 عهده نیابت و وزارت بنواب اعتماد الدوله میر فضل علی خان دهلوی که حالش
 درین نزدیکی گذشته است مفوض و منظر کردند باز بجایش نواب منتظم الدوله
 حکیم مهدی علی خان را منصوب ساختند باز چون در سال ۱۲۴۸ هجری منتظم الدوله
 را نیز معزول ساختند شیخ امام بخش ناسخ تاریخ سفر ولی چنین گفته قطع
 افتاد حکیم از نیابت و تاریخ بطرز نور رسم کن و از حائے حکیم شت برگیز
 شد تبه نصف نصف کم کن و میر علی پسر دختر خواهر باسط است و از حضور
 والیان کهنه و شاهره لایق بی یافت و در رؤسا و سع و دست و نه الواقع و و علم
 و فن موسیقی علی الخصوص در حق مرثیه خوانی سوز مثلش پیدا شده در سال ۱۲۵۸
 هجری انتقال کرد میر علی اوسط رشک تارخیش چنین گفته قطع مر و بیجوع
 وقت میر علی و رزم خوان حسین چیف ایوانه بود و علم موسیقی
 گویم از شوروشین چیف ایوانه و زهره تاریخ حلتش فرموده ثانی
 تان سین چیف ایوانه و حرف النون نواب نجف خان
 واضح باد که نواب نجف خان بنیره آغا نجف است که آغا نجف وزیر اعظم
 شاه حسین صفوی شاه ایران را بود از آنجا که نواب نجف خان بیعت

مرزا محسن برادر نواب ابوالمنصور خان صفدر جنگ در بندرستان تشریف آوردند
 و بعد چند سالی نواب نجف خان از مرزا محمد قلی خان برادر زاده نواب ابوالمنصور خان
 موصوف که در صوبه الہ آباد حاکم بودند عہدہ نیابت حاصل ساختند و بعد کشتہ شد
 محمد قلی خان مذکور نواب نجف خان پیش نواب قاسم علی خان در جنگ لہ اوقات گذارے
 کردن چون در آن ایام از نواب شجاع الدولہ ابن نواب صفدر جنگ و از صاحبان
 والاشان انگریز بہاوردہ ہوا قائم بکسر جنگ شدہ بود و نواب شجاع الدولہ شکست برداشتہ
 بود و نواب نجف خان بمعیت شاہ عالم عالی گوہر بادشاہ در وہلی آمدند و مخاطب
 بخطاب نواب ذوالفقار الدولہ بہاوردہ شدند و در عہد سلطنت این شاہ عالم
 بہاوردہ شاہ عہدہ نیابت و وزارت و مدارالمہام را با حسن وجہ سرانجام دادند
 سبحان اللہ عجیب و خیر وجود و بامروت بودند کہ از ترقیم الاقلام برون است گویند
 کہ ہر گاہ از نواب مرزا نجف خان موصوف و از راجہ نول سنگد پسر ہزاراجہ
 سوہیل والی بہرت پور بمقام سنگدانوں برسانہ کہ بفاصلہ کردہ از بہرت پور واقع
 است جنگ عظیم واقع گشت و فتح نصیب بہ نواب نجف خان گردیدہ انان روز روز
 بروز ترقی و افرایش مراتب از حضور سلطنت نواب نجف خان حاصل ومتواصل
 شد ادنی حال مرورت کنند کہ باوصف این معنی کہ تمام ممالک تعلقہ را و نول سنگد
 بقبض و تصرف خود آوردہ بودند ہاژ ملک سنی لکہہ روپیہ براونول سنگد مستحق
 آخرین نواب نجف خان در ۱۷۹۳ء ہجری بسیک اجابت بداعی اجل گفت تاریخ وفات
 اینست و طبعہ چو سید نجف خان بہاوردہ بدلی شدہ پرتوانداز
 چون سن یکتا فشانده ز بس نور ایمان بعالم ہمہ ظلمت کفر رفتہ
 زدہا با چو شد صاحب ذوالفقار اسم جدش ہر سپید است بر نام او ہم ز مولای ہمایا
 کند کار شمشیر نانش ہر قلعه کشائی ز لقتیل اعدا ہر چو ساک و فالتش بحجیم دل چو

بخش کرد و نواب هندوستان را به تاریخ دیگر که بر مزارش تحریر کرده اند نیست
 ع آسوده بنیر قدم شاه ولایت نواب نوبت خان در عهد اکبر پادشاه
 صاحب منصب بود در سال ۹۲۴ هجری بمقام دینی رحلت ساخت و مقبره اش اندرون
 قلعه کهنه بسیار نفیس از کار عینی که برواج آن نیلگون بود تمییه ساخته اند و نام آن مقبره
 نیلی چتری شهور است و تاریخ بنایش اینست. قطعه به بین خوش منظره
 عالی مقام و درین عالم ندیده چشم ایام به پے تاریخ اماش خبر داد
 چو پرسندم بگفتایافت اتمام نواب ناصر جنگ مخاطب بخطاب نواب نظام
 الدوله این نواب آصف جاه نظام الملک چین قلیج خان صوبه حیدرآباد نهایت
 سنجیده و پندیده بود در سال ۹۲۴ هجری بمقام آرکات در جنگ فرانسیس از دست
 همت خان افغان کشته شد میر غلام علی آزاد بلگرامی تاریخش و فاشترین نوشته قطعه
 نواب عالی کتر عالیجناب در هفت به فرصت ندا و تیغ حوادث شباب رفت به در هفت
 زما و محرم شهید شده تاریخ گفت نوبت گری انتاب رفت به باب سوم
 در بیان علما و محدثین - حرف الالف اسمعیل بخاری و اصحاب که در بن سمنان
 بخاری صاحب کتاب صحیح بخاری از محدثین قدماست و از اکابر اهل سنت و الجماعت
 کتاب صحیح بخاری را اصح الکتب بعد کتاب الباری میدانند و مشهور است که مؤلف
 در میان منبه و مزار پر الوار جناب سید ابرار صلی الله علیه وآله و سلم
 نشسته در عرصه ده سال کتاب صحیح بخاری را با تمام رسانیده است آخرش
 بمصدق کل من علیها فان در ششم هجری بود یک اجابت بداعی حق گفت چنانچه تاریخ
 و تالش اینست - نظم آن محمد که ابن اسمعیل بود در مشک خلیل رب جلیل
 چون صحیح بخاری است از ده زبان بجا آیت مقبره سوید در احادیث پیشوا
 همه در ره عشق مقدمات همه سال مولود آن خدا آگاه به گفت با تف

عزیز دین پادشاه سال نقلش زاج هفت طبق به تاقف غیب گفت قطب الحق
 ابو مسلم اسم شریفش عبداللہ ابو مسلم است صاحب کتاب صحیح مسلم از
 محدثین قدماست در ۱۶۱ هجری ازینجهان فانی عالم ملک جاودانی نموده چنانچه ازین
 نظم مویداست نظم پیشوائے زمانه مسلم بود به یک لالت دین مسلم بود به سال مولود
 آن یگانه و طاق چرخ دم گفت نادوی ایستاق به سال تاریخ نقل او به شک چنان
 اهل عدن گفت ملک به امام ابوحنیفه اسم شریفش نعمان ثابت است
 و موطنش بلده کوفه و اخجبا و که امام ابوحنیفه در باب فقہیات امام اعظم اہلسنت
 است و حالش از اشہار محتاج شرح و بیان نیست در شہدہ ہجری لبیک است
 بدعی اصل گفت تاریخ وفاتش نیست نظم آنکہ او بود شاہ مجتہدان به نام
 ابوحنیفہ نعمان به سال مولود آن شہر والاہ سر علی است یا سہ فقہا عقل
 تاریخ او چو گوہر سفت به سال ترحیل او مسلم گفت امام ابو یوسف تلمیذ
 امام ابوحنیفہ کوفی است در ۱۶۲ ہجری رخت زندگانی بر بست تاریخ وفاتش
 نیست نظم پیشوائے زمانہ یوسف بود به نقل او موجب تاسف بود چنان
 ماہ بست و بہم قدم بود کہ بفرود مس رحلتش فرمود و شب آوینہ بود کان والارت
 زمین تیرہ خاکدان بلاہ سہال تاریخ او بلا اشہاہ گفت تاقف امام دین الہ
 امام احمد چمنل در وقت امام راج اہلسنت است کتب بسیار تالیف نموده
 از آنجملہ سند احمد چمنل از مشاہیر کتب حدیث اوست در ۲۱۱ ہجری ازین
 دارفانی بعالم جاودانی انتقال فرمود تاریخ وفاتش نیست نظم آنکہ
 او بود احمد چمنل بہ شد از وفات مسلم و زید بن علی بہ سال ترحیل آن خدا آگاہ
 شد تم صاحب جنان الہ ابو نصر اسم مجلیل بقہ بی بن حماد الجویہری صاحب
 کتب صحاح اللغات است در ۳۹۲ ہجری ازینجهان رحلت ساخت

تاریخ وفاتش نیست نظم آنکه ذواتش بصد صفات آنچه هر یک کاشف الغات
 آمد سال ترحیل او ز روئے حساب در منظر ارض علی و ریاب ابو الحسن
 خرقانی فاضل جلیل القدر در عهد سلطان محمود و پهلنگین بوده است
 و در سال هجری رحلت ساخت تاریخ وفاتش نیست **نظم ابو الحسن بود**
 آنکه خرقانی بدش ندم شمال او ثانی به شده تاریخ صاحب قرآن ابو الحسن
 ربیب بلخی عدل و جنان ابو القاسم از اکابر فضل بوده در سنه هجری رحلت
 ساخت چنانچه ازین قطعه مجید است به قطعه رفت زین دار فنا جانب خلد آنکه بود
 بی یک شت به سال نقلش به صوم خسرده گفت ابو القاسم
 مصباح بهشت الوار الحق مولوی انوار الحق ابن مولوی نور الحق صاحب علوم
 معقول و منقول بوده در بلده کهنه توطن داشت در سنه هجری انتقال
 ساخت شیخ امام بخش تاریخ انتقالش چنین نوشته قطعه زین چهارم
 مولوی انوار بهر گلگشت روضه رضوان به سال تاریخ رحلتش تاریخ
 گفت دل بود آتش عیان **چند الباء بهاء ال دین آملی شیخ**
 بهاء الدین آملی عالم علوم معقول و منقول حافظ آرکان فروع و اصول مذکور
 خط اهل از ممالک کشور ایران بوده در عهد بادشاه گردون پناه شاه عباس
 صفوی ترویج مذہب شیعہ اثنا عشریه بنمودند و از محبت دران مسلم القبول
 بودند و کتب تصانیف علم معقول و منقول بسیار دارند از آنجمله کتاب
 خلاصه حساب در علم حساب و کتاب زبدة الاصول در علم اصول فقه
 و کتاب جامع عباسی در علم فقه و کتاب مشرق الشمسین و جبل التین
 از مصنفاتش است در سنه هجری به یک اجابت بداعی اجمل گفتند
 چنانچه تاریخ وفاتش ازین صراع مجید است رخ آنرا فضل افتاد

بی سر و پا گشت شرع و دین و تاریخ دیگر اینست لفظم شیخ علامه زمان بود
 قدیم علم حق بهاد الدین به سال ترحیل او بلا آگراه به صفت اضم گفت شیخ عالیجاه
 باقر داماد میر باقر داماد مولدش بلده اصفهان است و وجه لقبش بلفظ داماد
 چنین گفتند که میر باقر در ایام صبا یا در مدرس اصفهان تحصیل علوم اشتغال
 داشتند که روزی پادشاه عصر شاید سلطان محمد در آن مدرس تشریف آمد
 و اسخان طلبا بدربار گرفت و زمان وقت بر روی هر چه تمامتر میر باقر تصدیق
 و در مجلس پادشاه نهایت عمده و مقین تصنیف کرده بنظر ندر گذرانید پادشاه
 بغایت حیران و تعجب شده بعد دریافت احوالش مورد الطاف و اکرام فرمود
 و دفتر خود را بقدر از دواج میر باقر در او روان وقت بقبشش میر باقر و او او شسته
 یافت با بجز میر باقر داماد تا عهد پادشاه نریا بارگاه شاه عباس صفوی علم اشتهار علوم
 معقول و منقول بر آنرا داشت بتالیف العلمین در میان علما معقول مخاطب گدید و در آنجا شیخ
 بهاد الدین اعلی بود و در فی الواقع اینست که میان علوم آن عصر علوم خارج از حیطه ترقیم اقسام است
 و از غایت اشتهار محتاج به تفصیل نیست در علوم معقول و منقول تصانیف بسیار دارند چنانچه
 علما و فضلا مشتهر است اذاجمل کتاب فی البین و عین الیقین و رسالت و غیره است در کتب
 هجری لبیک اجابت بی داعی اجل گفتند چنانچه این مصرع هوید است **عروس علمه زن را بود و او را**
بدرالین قاضی بودیونی از برادران امجدی مولف جامع اوراق اعزشت و از علمای
علامه ذوی الاثر امجد سلطنت شاه جهان پادشاه بود و در علم و فضل و مجد حاصل بود که در آن
ایام ضرب النثل بوده مردم او را مثل ملا صدرا میگفتند و خطاب با بکار بر او نمودند و مشهور
هجری چون از جهان فانی خیرت بلکه با او دانی بر بست عسلی محقق تاقی نامه
سال فاشن جناب استخراج نموده و در صرف بدری باسط خواج باسط از جمله علما در صلی
است در بلده که بنو الجعد نواب شیخ الدله مرجع خلاق بود گویند که کتب در علوم و فقه و کتب

و چون بود که از حد احصا میسر بود آن است در **سلسله** هجری لبیک اجابت بداعی حق گفت
 پنج مؤمنین با سطر تاریخ وفات اوست **حرف** **الجمجم** چهار الیه در **تاریخ** می از اکا علی
 تمیزی مذکور است و نقل کشیاف که از تقدیم اینف اوست در میان علم او و فضل انبیا
 شصت و دو در **سلسله** هجری از جهان فانی لب علمها و دانی از حال نمودن آنچه ازین نظم
 هوید است **لظلم** آنکه او بود صاحب کشف به دلش از کینه و کدورت صاف به نام نامی اوست
 چایرالد **حجس** طغنی الجمان مشواه به سال نقلش ملک بهفت و رقی به
 در **قسم** **رحمة** علی الحق به جمال **الدین** محمد شایده جمال **الدین** محمد صاحب
 کتاب روضه الاحباب است احوالش از غایت اشتهار محتاج به بیان نیست در
سلسله هجری لبیک اجابت بداعی حق گفت چنانچه تاریخش نیست **لظلم** عالمی نظیر
 شیخ به سال به عارف ذات ایزد و مثال به عقل تاریخش از شو اهن خلد به گفت و اول
 جمال او بن خلد **حرف** **الرحا** **الحسین** واعظ که بلا حسین کاشف **فخیر**
 از مشایخ علمایست صاحب تفسیر حسینی در روضه الشهداء و اخلاق محسنی
 غیره است تاریخ تصنیف کتاب اخلاق محسنی خود گفت و آن را یک
قطع با خط امر گفتم ایکه ز سر خستی قدم به قدم مقدم تو پیشم سخن با
 یادش **اخلاق** محسنی بهامی نوشته به تاریخ هم نویسنه از اخلاق محسنی
حسین ملا حسین واعظ و **سلسله** هجری لبیک اجابت بداعی
 ایل گذشت تاریخ و فالت را نیست **قطع** ناصح و فیاض مولانا حسین کاشف
 آنکه گنج معرفت در مخزن دلها بنیاد و دیدش در واقعه بر منبر عرش از شرف
 آفتاب تاریخ نوشتن چیست امی صاحب رشاد که گفتی چون شد بعد ازین
 به منبر عرش مقدم به از سبب تاریخ نیکو بمنبر با عرشش یاد حیدر
 دانشمند که مولد شاه حیدر خطه امل است و در اجله علم اشعیه معدود است

در ششده هجری رخت زندگانی بر بست چنانچه تاریخ وفات شایسته لفظ
 شاه حمید که مظهر حق بود و رازوان وجود مطلق بود و گفت تاریخ نقل
 اورضوان بجائے حمید بکوثر و بجنان **حرف الدال** در علم و در
 سید ولد ار علی ابن سید محمد معین نصیر آبادی از سادات عظام و علم
 نوبی الاحرام عالم علوم معقول و منقول حافظ ارکان شروع و اصول و در
 ریاست نواب آصف الدوله بهادر از تأییدات نواب مرزا حسن رعنائات
 صاحب پهلده لکنؤ علم اجتهاد عصری افراشتند و عمر معین مذہب غیبی شایسته
 عشره بیضا نمودند و تصانیف بسیار یاو کار جنابش است از آنجمله کتاب
 عماد الاسلام و صوارم و حسام و اساس الاصول و امثال آن و در ۲۳
 هجری سجد کے عالیشان و لکنؤ تعمیر فرموده است چنانچه شیخ امام
 تاریخ تعمیر آن سجد چنین موزون ساخت و قطعہ دلبر زہر اولدار
 کامل اندر اجتهاد و افتاد ساخت چون سجد شدہ تاریخ آن سجد اقصا
 ثانی شد بناہ آخرش مولوی سید ولد ار علی صاحب اور ۲۳ ہجری ازین
 جهان فانی بعالم جاو دانی انتقال فرمودند چنانچه تاریخ وفات نیست
 منزلت تا والاسلام **سین سفیان** قوری ادا کا پیر
 قدیم اہلسنت است و در ۱۰ ہجری امین جهان فانی ملک جمہا و دانی
 انتقال کرو تاریخ وفاتش نیست **تظہم** آنکہ سفیان نوریش نام است
 مرشد خاص و در ہر عام است ہر قدر کالبش بہ لبرہ ہدان ہر سال
 او ہمائے جهان سعد الدین **فتا زانی** از اکابر علم ادا اہلسنت است
 عالم علوم معقول و منقول حاوی ارکان شروع و اصول صاحب کتاب
 مطول و مختصر و شرح مقاصد است در ششہ ہجری ازینچہان فانی علت

کرد تاریخ وفاتش نیست نظرم قدیمه سلم وجود با تمکین به فاضل بی نظیر سعد الدین
 شش چار باغ تغتازان به نور استمع فی سماع لغتازان به مختصر نقطه
 ز تصنیفش به هم مطول خطه زمانه پیش به سال ترحیل و نقل عمید الدین به
 بیگان کمال صدق و یقین به بر همه خلق روشن است و عیان به نظر
 بهشت بخوان به سید علی جهادانی از مشایخ علمای اهل سنت است و صاحب
 نصاب فیلسف است در رشته هجری انتقال کرد تاریخ وفاتش نیست نظرم
 همانی است سید بهمان به اسم سامی او علی بهمان به شد روم سال نقل شد
 و ولادت قطب عالی جنیت اعلی سید علی که بلالی از مجتهدان علمای اربعه
 است در ۳۳ هجری از بهمان قانی بسم الم جاودانی انتقال کرد شیخ امام
 تاریخ وفاتش چنین گفته به قطع حیف بود و آنکه خضر راه بدی به بی
 کشور بقت گردید به شد سیه خانه عالم و هر سو به شرف و نامش بیار کرد
 در عزالدین طینغه عالم به بانی مجلس عز گردید به چون بسجده زلفت به نماز
 طاق از بار غم دو تا گردید به مهره سجد شد کف افسوس به سچ چون
 سگ اشکها گردید به که دیک عمر اجتهاد و لے به نه به یک حرف او خطا کرد
 گفت سال وفات او تاریخ به جسم و خاک که بلا گردید به سید
 حسن خاندان الصدوق مولوی سید دالدار علی صاحب عامل با عمل
 و فاضل بی بدل بود در ۳۲ هجری انتقال ساخت میر علی او در ۳۳
 تاریخ وفاتش چنین گفته به قطع با عبادات و عمل جنبه انعم البدل به باغ جنیت
 یا سنی دادای سید حسن به سال تاریخ وفات گفت رشک خسته جان
 و در ۳۴ هجری سید حسن به سید حسین خلف الصدوق
 مولوی سید دالدار علی صاحب المشتهر سید میرن صاحب در ۳۵

ہجری ولادت با سعادت حاصل گشتہ چنانچہ نور شہید کمال سال ولادت
 است عالم علوم معقول و منقول حاوی ارکان فرسوع و اصول فی الواقع
 اگر اند کے ہم از توصیف آن معدن علوم و شطرنج از فضائل آن بر صدر
 نغزل و کرشمہ طیر کرده شروع شتوی ہفتاد و ہن کاغذ شود کہ کتب بسیار
 از تالیفات آن افتخار المجتہدین سیدالفضل استداول و شہور است از اجماع
 کتاب روضۃ الاحکام و حدیقہ سلطانیہ و امثال آن است و در قرب تالیف
 ابن اوراق از بیجان فانی بجامہ جاودانی انتقال فرمودند حرف الشیخین
 شافعی محمد بن ادریس امام شافعی از ائمہ اربعہ اہل سنت است
 و احوال شرف از غایت اشتہار محتاج بہ بیان نیست در سنہ ہجری زنت
 زندگانی بر کشید تاریخ وفاتش اینست کہ نظم بہم علم و فضل و صدق و ہن
 شافعی بود و ختم مجتہدین ۴ سال مولود او مسلی دان ۴ سال ترجیل و متقد
 خوان ۴ شریف جرجانی از اکابر علماء اہل سنت و صاحب کتب
 شرح مواقف و امثال انت و احوال شہور و معروف است در سنہ
 ہجری انتقال ساخت تاریخش اینست نظم فاضل بے نظیر میر شریف ۴
 جسم او ہجو روح بود لطیف ۴ شرح و تحقیق علم منطق زوست ۴
 بیگان شاخ مواقف اوست ۴ سال نقلش گوی بہشت مکان ۴ با تو
 عطف بہشت اوراد ان ۴ حرف العین علی متقی از اکابر علماء اہل سنت
 است کتاب کثر العمل از تصانیف اوست در سنہ ہجری انتقال نمود
 تاریخ وفاتش اینست کہ نظم آنکہ او محادی رضی و جلی است کہ متقی زمانہ شیخ
 علی است ۴ سال تاریخ اورثم افلا وہ وارث الانبیاء بحق جان داد و عباد الحق
 و ہلوی و نفع باد کہ شیخ عبدالحق محدث اہل سنت عالم با عمل

واز تلامذه شیخ علی تنقی است مولدش ولایت توران بوده و در سن ۵۰ هجری
 ولادتش بطهور رسید چنانچه شیخ اولیاد سال ولادت دوست و در
 عهد اکبر بادشاه در هندوستان رسیده بحسب خلق فیوض احادیث میرسانید
 و کتاب شرح مشکوٰۃ و شرح سفر السعادت و تکمیل الایمان و امثال
 آن از تصانیف اوست آنست در سن ۶۰ هجری بسبب اجابت بدعا
 اجل گشت چنانچه تاریخ انتقالش شرح الملم است و تاریخ ووم اینست نظم
 فانس بن شیخ عبدالحق به حامی شریح و دین به نیک نسق به سال نقلش خرو عیان
 و نهفت به بخلاق بهرشت مرقد گشت به عبد القادر واضح باد که ملا عبد القادر
 قادری تخلص از متوطنان بدایون است و بنحو پیش نسا زان اکبر بادشاه
 بو و کتابه که بتوانخ بدایونی شهرت دارد از تصانیف اوست فاضل
 ذمین و طباع و شاعر متین و حاضر جواب بود در سن ۶۰ هجری رحلت یافت
 شیفته شاعر تاریخ و فالتس چنین یافته قطع شاعر خوش کلام
 و خوش افکاره در جهان چونکه استحال نموده از سر اشک شیفته آورده
 قادری آه انتقال نموده عبد الحکم سیالکوئی واضح باد که ملا عبد الحکم
 در عهد عالمگیر بادشاه بوده است جامع عموم معقول و منقول و صاحب تصانیف
 لائقه است طرز آنجمله حاشیه بر شرح ما جامی بسیار خوب نوشته
 و کتاب عنایت الطالبین بر ترجمه کرده در سن ۶۸ هجری ازین جهان فانی کوچ
 کرد تاریخش نیست نظم عالم و عامل و خدا آگاه بود و عبد الحکم رضوان علی
 سال نقلش بگو بهفت اقلیم که مسکن مولوی بنجله نیمه به عبد الله
 واضح باد که مولوی عبد الله از مشاهیر فضلاء است در سن ۶۸ هجری انتقال ساخته تاریخ
 نظم مولوی زمانه عبد الله عطف الش قبره مشاهیر نقل تاریخ انتقال

گفت شد خلد جاے به الله عبد العزيز و دهلوی ابن مولوی شاه
 ولی الله محدث واضح باد که شاه عبد العزيز صاحب ملک العلماء هندوستان افتخار
 الحدیث اعتماد التفتیین بودند اگر هزار زبان تعریف و توصیف آن فاضل جلیل
 القدر بیان کرده شود و اندک از بسیار و یکے از هزار است مدہ العسر
 ببلدہ دہلی ترویج مذہب اہل سنت و جماعت میفرمودند و از مواظقت تفسیر
 وحیث و کلام و نیا را استفادہ میسرسانیدند کتاب تفسیر عزیزی و تحفہ
 عشریہ از مؤلفات شاه صاحب موصوف است در ۳۲۰ ہجری ازینجہان فانی
 بملک طبع وانی انتقال فرمودند چنانچہ حکیم موسی خان دہلوی تاریخ وفات چنین نوشتہ
 اندہ فر و از وفات شاہ صاحب سہ و بی ہاشدہ فقر و دین فضل و مہر
 لطف و کرم علم و عمل حرف الغین غزالی واضح باد کہ احوال امام غزالی
 مشہور عالم است کتاب فصوص الحکم و غیرہ از تصانیف اوست در ۴۰۰
 ہجری انتقال کرد و تاریخ اینست نظم آن محبت امام غزالی صاحب کشف
 و ترتیب عالی ہست شفقار از جهان ورود و جاودان شاہ باز
 عدل بود علام حضرت واضح باد کہ مفتی غلام حضرت بہ مقام لکھنؤ آمدہ
 مفتی گری میداشتند در ۳۲۰ ہجری انتقال کردند شیخ امام بخش ناسخ
 تاریخ و تاریخ چنین گفتہ قطعہ ۲۰۰ مفتی غلام حضرت افسوس ہ کہ بود بشہر
 لکھنؤ جساکم بشرع ہ سال تاریخ رحلت افرحوم ہ فرمود خورد کہ بود او حاکم
 شرع ہ فتح الدین رازی از اکابر اسیہ سلم اہل سنت است حقا
 تفسیر کبیر احوال شرا ز غایت اشتہار محتاج بہ بیان نیست در ۴۰۰
 ہجری ازینجہان فانی نقل کرد و تاریخ اینست چنان امام سہ کہ فخر
 رازی پوشہ روز جمہد زہر نقل نمود ہ ۵۰ ترتیب آن ستودہ خصال

بیگان بود عذبه شوال در سال تاریخ نقل آن خوشه و به عمده اهل حنبت
 است بگوده فتح اللہ شیرازی از علما و کبار و انکابار نامدار
 بود و همیشه داشت در نشئه ہجری در ہمدان اول اکبر شاہی از شیراز
 حسب الطلب باو شاہ و ہندوستان قدم آور و چنانچہ ازین مصراع
 ہو پیدا است ع شاہ فتح اللہ امام اولیا فضل امام خیر ابادی واضح باو
 کہ مولوی فضل امام از اجلہ علمائے ہندوستان اہلسنت است در علم معقول
 و منقول شش کم پیدا شدہ باشد و در بلدہ شاہجان آباد عہدہ نفعی گری
 گری و ارسا و صدر الصدور سے از پیشگاہ صاحبان دالاشان کمپنی انگیز
 بہاور باو مفوض بود چون در ۱۳۳۲ ہجری وفات یافت مرزا اسد اللہ بیگ
 غالب تخلص تاریخ وفاتش ازین قطعہ استخراج ساخت قطعہ
 داو در بقا قبل از باب فضل کہ کہ وسو کے جنت الٰہی و اخرام بہ چونکہ غالب
 از بے کسب شرف بہ جنت سال فوت آن عالی مقام بہ چہرہ ہستی تراشیدہ
 تخت بہ تابناک خرد بگر و دست بہ کہ گفتم اندر سایہ لطف نبی بہ باو از ہر شکہ
 فضل امام بہ حرف الکاف کاظم علی لکھنوی ازین مرزا غلام علی خان
 واضح باو کہ مولوی مرزا کاظم علی از خاندان امرار عظیم الشان ہندوستان
 و افضل تلامذہ مولوی سید دلدار علی صاحب بود نیز زاہد و فقیہ و عابد
 کمال عالم با عمل اگر مرزا صاحب را آیتے از آیات الہی گھستہ شود و بجاست
 و اگر در فضائل و طہارات مشمل ملاکہ تدرار دادہ آید رواست در ۱۳۳۵
 ہجری لیک اجابت بداعی اجل گفت چنانچہ شیخ امام بخش ناسخ تاریخ
 وفاتش چنین گفتم قطعہ جناب مرزا کاظم علیخان بہ زونب شد
 سوئے فرووس عازم بہ ہمیشہ بود ان عالی مناقب بہ بہر شب قائم و

ہر روز صائم و محب قائم آل عبا بودہ از دین محمد بود وقت انہم بہ تسبیح و تحمید
 بہ تکلیف و چو دل بودہ زبان مشغول وانہم بہ براہ عبد رکر اریفت بہ ضعیفان را
 ہمیشہ بود خادم و نوز ششم سال تاریخ وفاتش بہ باقیہم شریعت بود حاکم و
 حرف الیہم مالک از ائمہ اربعہ اہل سنت است و احوالش از غایت اشہا
 محتاج بیان نیست کتاب موخا در حدیث از تالیفش است در سلسلہ ہجری
 از پنجہاں رحلت کرد تاریخ اینست نظم مجتہد در زمانہ مالک بودہ عارف و
 سالک و سالک بودہ سال مولود مالک دوران بہ گفت یافت زہے
 جواد جہان بود چون رہنمائے دین متین بہ سال ترجیل او ست قدوہ دین
 محمدر بن حسن شیبانی از تلامذہ امام حنیفہ است در سلسلہ ہجری رحلت یافت
 تاریخ وفاتش اینست نظم مفتی شرع و دین محمد بودہ تالیف پاک ذات
 اخیر بودہ سال نقلش کہ بزرگو ہر سفت بہ ماہ اوج فلک ملک گفت بہ
 مولوی محمد قلی خان کتوری ابن سید محمد ابن سید حامد از سادات
 نظام و فضلا ذوالاحترام و از تلامذہ کرام مولوی سید ولد اعلی صاحب
 بودند مولد شش قصبہ کنتور از تالیف لکھنؤ است مدۃ العمر ہم مدہ ہفتی گری
 و از سائر وہد الصدوری خلیع میر بیٹہ از طرف صاحبان و الاشان انگریز
 بہادر ہفتی صاحب موصوف مفوض ماندہ تقمانیف لائقہ دارند از انجملہ
 کتاب سیف ناصر می و بر تان سعادت و تقلیب النکاید وغیرہ است در سلسلہ
 ہجری البیک اجابت بداعی اخیر گفت میر علی اوسپر رشک تخلص تاریخ وفاتش
 چنین گفتہ قطع سید و ناخصل و ذمی رتبہ و صاحب اخلاق بہ پایندہ
 جواز مردم و نیا دوری بہ آفتاب فلک دین بزین پیمان شدہ سوخت
 ولہما کے جہان دلغ غم ہجوری بہ رشک این مصرعہ تاریخ وفاتش

مولوی میر محمد قلی کنٹوری بہ مولوی محمد روم در لکھنؤ بود در ۱۳۹۰
 ہجری رحلت ساخت شیخ امام بخش ناسخ تاریخ وفاتش چہنن نوشتہ
 قطعہ سید محمد روم از جہان رفت بہ گفتند بزرگ و خور و صد حیف بہ تاریخ
 وفات گفت ناسخ بہ محمد روم زمانہ عمر و صد حیف بہ ایضا از ناسخ بہ قطعہ
 زین جہان رفت مولوی محمد روم بہ عالم و عامل و حدیث نبوی بہ بہر سال و نبت
 ائمہ عجم بہ گفت ول خاوم حدیث نبوی **حشر النون** ناصر الدین تہمی
 بیضاوی از اجندہ علمائے اہل سنت است تفسیر قرآن شریف بلیغ
 عمدہ نوشتہ چنانچہ متداول است در ۱۳۰۰ ہجری از بیجان فانی بعالم
 جاودانی انتقال ساخت چنانچہ ازین نظم ہوید است **لظہم** آنکہ ابو و قاضی
 بیضاوی ذوالقعدہ ۱۳۰۰ ہجری ابداد ذات عالی او مغرب بودہ عالمی را بعلم راہ نمود
 سال نقلش سخوان بدر و خداہ ناصر از پادشہ شدہ است جدا بہ لیکہ
 تاریخ آن احضر و دورہ مظہر الحق اخص رقم فرمودہ نورالدین شہسوری
 از علمائے متکلمین شیخ سید عالی نسب والاحسب و مولدش بلدہ شہر
 در عہد ہمایون و اکبر بادشاہ در ہندوستان شہر لیف آورد بعزت و امتیاز
 تمام و حج بین الانام است و در بلدہ لاہور عہدہ قضا بان بزرگوار
 مفوض ماندہ از بیعت بقاضی نورالدین شہسوری ہم شہرت دارند و
 صاحب تصانیف لائقہ است از آنجملہ کتاب **احقاق الحق** و **مناقب النوا**
 صب و مجالس البونین است آخرش در عہد ہمایون بادشاہ در ۱۳۰۰
 ہجری ہنچیکہ در کتب تواریخ مطور است از بیجان فانی بعالم
 جاودانی ارتحال ساخت تاریخ اینست قطعہ میر نورالدین عالی انتساب
 زین زمانہ بادل آکہ شدہ بہ سال نقلش مظہر الحق زور رقم بہ عدن جائز

میر نور اللہ شدہ پنجنف علی فیض آبادی واضح باد کہ مولوی سید
 پنجنف علی از فضلانے عالی مقدار شیعہ و اکابر یوزگار امامیہ بودہ در
 تدریس و تعلیم کتب درسیہ و علم قرات بے مثل و لاثانی بودند و در ۱۲۵۳
 ہجری لمبیک اجابت بداعی حق گفت چنانچہ ازین مصراع مولفہ
 سید سی او سطر شک ہوید استع ای ہی سید پنجنف علی فاضل نور الحق
 از اجلہ علمائے اہل سنت متوطن لکنہواست در ۱۳۳۸ ہجری رحلت یافت
 تاریخ وفاتش شیخ امام پنجنف نام شیخ چینین گفتمہ قطعہ علامہ
 نور الحق چچانرا باجل سپرد وہیات الوداعہ بد تاریخ وفات او نمودم مرقوم
 نور الانوار مرد وہیات الوداعہ بد حرف الیاء یا فعی از قد ما دعلماست و با
 امام قطب الملکہ شہرت دارد و صاحب کتاب تاریخ یافتہ است در ۱۳۵۵
 ہجری از پنجنان فانی بعالم جاودانی کوچ کرد تاریخ وفاتش نیست نظم
 آن امامیکہ یا فعی بودہ بد تاریخ راہ شافعی بودہ بد سال ترحیل آن ستودہ
 شدہ بد مردم قطب انج خلد نوشتت یاو علی نصیر آبادی مخفیہ نماند کہ مولوی
 سید یاو علی از فضل از روی الاحترام شیعہ و از پیران ہجرتی و از اجلہ
 ملائذہ مولوی سید دلہار علی صاحب بودند اگر فضائل علوم معقول و منقول
 آن فاضل جلیل القدر نوشتہ شود و اندکے از بسیار دیکے از ہزار است تفسیر
 کلام مجید چنان بہتر و نفیس نوشتہ است کہ قلم و زبان طاقت بیان
 اوصاف آن ندارد و در ۱۲۵۳ ہجری لمبیک اجابت بداعی حق گفت میر علی
 او سطر شک تاریخ وفاتش چینین نوشتہ قطعہ افسوس عمر و مولوی
 یاو علی بد سید عالم امام مردم بودہ بد تفسیر کہ مینوشت آن مخزن علم
 کشف روز سبے تو ہم بودہ بد ہر بر پیداشتت بے ریا کسوت فقہ بد

حضرت زین العابدین و تاسع بود و پنجم بود و از شکر فرو نعمت علم و عمل و این مصداق
 این شکر تم بوده و ماه رحلت بیست و ششم بود انوسس و این ساخته با عوف
 نالم بود و تاریخ وفات خاندن رشک نوشت و یوم انبیین و دست و پنجم بوده
 با چپ ارم و ربیان فقر و شیوخ اهل تصوف ابراهیم ادهم گویند که ابراهیم
 سلطنت را گذاشته در پیشی اختیار کرده بود چنانچه درین حکایت واقع شد
 ابیات شنیدیم که ابراهیم ادهم و شب بر تخت شاه و نعمت خورم و
 بگوش اور سید آواز پائے و در جابر بست چون شوریده رائے و گفتا
 کیست بڑا لائے این بام که دارد بر فر از قصر بگام و جالبش داد او از من تدبیر
 شسته گم کرده من عاجز مں پیر و پس ابراهیم متعجب شد و گفت شسته گم
 کرده را بر بام کس بست و پیاسخ گفت او ای شاه خوش بخت و خدا
 بوی کسے کرد است بر تخت و پس ابراهیم ادهم بجز دستماع این معنی بخت
 سلطنت را گذاشته فقر و صحرانوی اختیار کرد و آخرش در ۶۹ هجری ادهم
 فانی بن الم جاودانی عزم ساخت تاریخ و فالتش نیست نظم پورا ادهم
 که بود ابراهیم صاحب معرفت بقلب سلیم و بر سر تخت فقر سلطان بود و
 برش تاج لوزغان بود و صاحب تخت بود آن سلطان و تارک سلطنت
 شد از دل و جان و اختیار طریق شاقه گرفت و قوت خود را فقیر
 فاقه گرفت و شب جمیل رحلت آن و عقل مصباح عدان گفت
 بخوان اسم معین چشتی در اکبر آباد سکونت داشت و آدم نیک سیرت
 بود در ۶۶ هجری رحلت ساخت تاریخ و فالتش نیست نظم
 شیخ عالی مقام اسمعیل و بر ره اهل چشت بود و دلیل و گفت تاریخ نقل
 او صاحب ماه فردوس چشت اسمعیل و الهی داد قادر که

این کتاب در
 کتابخانه
 مجلس شورای
 اسلامی
 تهران
 ثبت شده است

واضح باد که شیخ الیهاد سلسله بیعت خاندان قادریه نیکو چارمی داشت
 در سنه هجری رحلت ساخت تاریخ وفاتش اینست نظم شیخ الیهاد
 بود اصل حق ۶ ماه پسرخ مقید و مطلق ۶ عقل تاریخ نقل آن سعید هندی
 رقم قدوه مشایخ بوده احمد سندی پوشیده نماند که شیخ احمد
 سندی از قوم شیوخ فاروقیه و ملقب بمجدد الف ثانی است و علم تصوف
 خاندان نقش بندیه می افراشته اند چنانچه سلسله بیعت مولوی شاه
 عبدالعزیز صاحب دهلوی هم بهین بزرگوار میرسد جامع علوم و فضائل بوده
 در سنه هجری وساده زندگانی ازین دار فانی بر لبست چنانچه ازین نظم هویدا است
 نظم آنکه او جوهر خرومندی است ۶ احمد کے کابلے و سرزند می است ۶ سال
 ترجمیل آن خدا آگاه ۶ سدرم شیخ بود اهل الله ۶ حرف الباء
 باینزید بطامی حالش از غایت اشتها محتاج به بیان نیست در سنه
 هجری حرم ملک آخرت ساخت چنانچه حال ولادت و طاعتش ازین نظم
 هویدا است نظم محقق باینزید بطامی ۶ روح الله روح السامی ۶ سال
 مولودان شهنشه دین ۶ سر صوفی بدان بصداق و یقین ۶ سال ترجمیل
 آن مکمل حق ۶ شد رقم باینزید واصل حق ۶ بهاد الدین ذکر یا شیخ بهاد الدین
 ذکر یا ملتانی از مشهورترین خاندان نقش بندیه است در سنه هجری
 بسیک اجابت بدای اجل گفت تاریخ وفاتش اینست نظم
 پیشوا ۶ طریق صدق و یقین ۶ نقش بندیه جهان بهاد الدین ۶ سال
 تاریخ نقل آن محمود ده حرم خاص اهل دین فرمود بدیع الدین شاه
 طراز این بزرگوار مرید شیخ محمد طنفور می بطامی است و احوال نخوارقی
 این بزرگوار شهوور و معروفست در سنه هجری از جهان بعالم جاودان

خست زندگانی بر لبست چنانچه حال ولادت و رحلت آن بزرگوار ازین نظم هویدا است
 نظم آنکه قطب ہمار دنیا بود و حکم فرمانی ملک معقبی بود و شاہنہار اوراق عیلمین
 نامدار جہان بدیع الدین بد عمر آن شاہ سطلع الانوار یکصد و سبت و چار سال شمار
 شدہ سال طلوع آن بقیقین شمس دنیا و دین بدیع الدین ہ سال چیل آن ہفت ہفت ہفت
 قطب الہدایت گفت باقی بالشد واضح باد کہ سید باقی بالشد ہلوی و طریق تصوف علم شہر
 می افزاشت جامع ادب و علوم و کمالات و سخن خرق عادات بودہ تفسیر کلام اللہ بسیار عمدہ و پیر
 نوشتہ است و نقل کردہ اند کہ نان پزیر روزی بحضور شاہ باقی بالشد
 صاحب آمدہ عرض نمود کہ مرا بصورت و شکل خود کردہ و دید ہر چند شاہ صاحب
 اور ازین استدعا مانفت فرمود لکن اوالہم اراد نمود انیکہ شاہ صاحب
 آن نان پزیر اور مکتب علیحدہ بردند و درش را بسند ساختند و تا روز
 بیرون نیامد چون روز چہام شاہ صاحب دآن نان پزیران سکان
 بیرون آمدند پس در شکل و صورت شاہ صاحب دآن نان پزیر خرق
 نمود الا انیکہ شاہ صاحب ہوشیار بودند و آن نان پزیر است انست بود القصہ
 شاہ باقی بالشد در سنہ ہجری ازین جہان فانی عزم ملک جاودا نے
 نمود چنانچہ ازین قطعہ ہویدا است قطعہ میر باقی مرشد افاق از لطف
 خدا چون ازین دار فنا شد جانب قصر جنان ہ ساعت و روز و مہ
 و سال وصالش عقل گفت ہ صبح ہجرت ہم ششم شوال باقی داو جان
 بر تان شطاری کیے از قصر اہل خانہ ان اہل تصوف بودہ چون در
 ہجری وفات یافت سال تاریخ چین یافتند نظم شہینج بر تان کہ
 عارف حق بودہ محمود ذات پاک ہر طلق بودہ سال نقاشش خرو عیان
 نہفت ہ صاحب ملک خلد بر تان گفت ہ پیر محمد واضح باد کہ شاہ

پیر محمد کهنوی از مشهورترین درویشان است و از قوم شیخ است
 در بلده کهنو طیلد شاه پیر محمد از مشهورترین بواعث است چون در سنه
 هجری دفات یافت سال تاریخش چنین یافتند لفظم شیخ پیر محمد از دنیا
 شد چو هر منیر سوئے سما در جهادی دوم زد دنیا شد و جانب این چرخ
 و الا شد سال نقلش باشکار و نهفت و شیخ الاسلام بود و ناقت
 گفت حرف البچیم جنب بغدادی دافع باد که شیخ جنید بغدادی از
 مشهورترین حضرات صوفیه است در سنه هجری از بنجان قانی بساط
 زندگانی بر بست چنانچه سال تاریخش ازین منظومه هویدا است لفظم
 سعدن علم و تقاضم عرفان و سید الطائفة جنید است ان در سنه
 مذہب است آن عارف بشو از من اگر نه واقف و سال ترجیل او هفت
 طبق و گفت با تق جنید و اصل حق جلال الدین روحی لقب
 شریفش مولوی بهمنوی است و شنوی بنام ملا روم مشهورترین از
 تصانیف اوست چنانچه شاعرے در تعریف آن شنوی گفته فرود
 شنوی مولوی معنوی بهست قرآن و زبان پہلوی و بالجمہ ملا روم
 در سنه هجری ازین دار فنا عالم بقا کوچ کرد چنانچه سال تاریخ ولادت
 و رحلتش ازین نظم واضح میشود و لفظم آنکه مولائے روم اہل یقین و
 یورکون و مکان جلال الدین و سال مولودان خدا آگاہ شد رقم
 افتاب عالیجاہ شدہ تاریخ نقل او پنجم و بے شک و ریب از جہاد دوم
 سال نقلش راجع ہفت طبق و با تقم گفت قطب جنت حق ***
 جلال الدین تہانسیری در ویش صوفی مشرب است در سنہ
 ہجری انتقال کرد سال وفاتش ازین نظم ہویدا است لفظم عارف و

ایزدستعال قطب و غورث زمانہ شیخ جلال بہ ذات او بود از قدم ہا
 گل نور شید باغ تہانیر بہ سال تجیل آن ستودہ خصال بہ شد تم
 در بہشت جائے جلال حسرت الحیاحسین بن منصور صلاح از اجبا کہ
 احوال گفتن منظور کلمہ انا الحق وقتل بودش بفتوائے علما دین کجبت
 ظاہری شرع متین برافواہ و انستہ خلاق جاریست چنانچہ در ۹۷۳ ہجری
 این واقعہ بظہور رسیدہ تاریخش انست لظہم شاہباز مہوائے عالم بود
 ہست بیشک حسین بن منصور بہ سال تاریخ قتل ادبے شکہ قبہ
 اہل عدن گفت ملک حسن بصری واضح باد کہ خواجہ حسن بصری در
 طبقہ تابعین معدود است و حالش از غایت استہار محتاج بہ بیان نیست در
 ہجری ازینچہان فانی غم ملک جاودانی نمود چنانچہ ازین لظہم موید است لظہم
 حسن بصری آن خدا آگاہ بہ مقتداے ہمہ ولی اللہ حسن بصری است
 با حق دوست بہ اہل دین بود سال رحلت اوست بہ حسین ہرانی
 سید حسین نام صاحب کتاب نہر بہت الارواح در مذہب صوفیہ و کنز
 الرموز از مشہور ترین حضرات صوفیہ است در شاہد ہجری غم ملک
 آخرت کرد تاریخش انست لظہم حسن بصری و علم ہر حسن بہ مختر کونین مختر
 ثقلین بہ سفر بہ با آن صفت زتالیفش زاد و کنز الرمز تصنیفش بہ عقل تاریخ
 نقش از دم قدس بہ گفت عتفائے قاف عالم قدس بہ سال
 تاریخ آن مجستہ صفات بہ یافت گفت قطب ہرات حسن بصری
 صوفی مشہور شخص است در ۷۲۳ ہجری رحلت کرد تاریخش انست
 لظہم عارف حق بن بحق آشناہ بود حسن بیگ ز صدق و صفا بہ سال
 وفاتش خرد حق نماہ گفت حسن بیگ شہید خند حسن الزال

ذوالنون مصری از مشهورترین پیشوایان حضرات اهل تصوف است
 و در ۲۳ هجری بلیک اجابت بداعی حق گفت چنانچه ازین نظم هویدا نظم آنکه
 ذوالنون مصری نام است و قدمه اولیاد ایام است و سال تحصیل آن در سنه
 خروم گفت باز معدن و جهان حرف **الین سنائی** واضح با که حکیم
 مصنف کتاب حدیقه الحقائق از مشهورترین عارفین است و در ۲۳ هجری
 بلیک اجابت بداعی اجل گفت تاریخ و فائز انبیت نظم آن حکیم زمان سنائی بود و عام
 از دوسه بروشنائی بود و در جهان بود انصح الشعراء در زبان بود انصح الفصحا
 از تصانیف او حدیقه بدان و بگل و میوه و دقیقه بدان و سال نقاشی رتبه
 گنت و گفت با تف ز به گل جنت **سلیم چشتی فاروقی**
 فتحمدی از شیوخ مشهوره عهد سلطنت اکبر بادشاه است در عنفوان جوانی
 بر کوه سیکری عبادت الهی میکرد و در اهل جهان بر کشیده که توانا
 شهرت در ولایتی شیخ سلیم تا بادشاه وزیر رسید پس اعلی داد و
 همه کس در حلقه ارادت شیخ سلیم در آمدند و فتحپور آباد شد و فتحپور از اکبر
 بفاصله هفت کرده بجانب مغرب واقع است و مدت مدید و عصر بعید
 اقارب و عشائر شیخ سلیم پیش و عشرت و حصول جاگیرت و خدمات
 بادشاهی ممتاز ماندند آخرش بمصداق کل من علیها فان در ۱۰ هجری
 ازین جهان فانی بهالم جاودانی انتقال فرمودند چنانچه ازین قطعه
 هویدا است قطعه مغیبت ملت درین شیخ اسلام آنکه در قربت و شیبلی و
 جنبیدار باز پرسى گویمش ثانی و ربوداز عرصه دنیا و دین گویم کما یست
 زور و لیسان بدرویشی ز سلطان تا به سلطانی و منت از خود با حق
 بود معلوم در و لیسان و از ان شد سال تاریخش بحق باقی ز خود فانی

حرف الشیخ شبلی از پیشوایان اهل تصوف است در ۴۲^۳ هجری از
 جهان فانی رحلت فرمود تاریخ انیت نظم شیخ شبلی که جعفران بود و روز
 نقلش بعد قربان بوده تا کی ندیده است آن مقبول بی شک و ریب
 از فروع و اصول و اشبهی شمار کن به یقین به است تاریخ آن سلاطین
 شهاب الدین سهروردی از شیخ صدیقی از مشهورترین پیشوایان
 اهل تصوف است تاریخ ولادت و فالتش ازین منظومه هویدا است نظم
 عمده الواصلین شهاب الدین و قدوة الکاملین شهاب الدین به سال مولود
 آن بدان به یقین و اکمل الاولیا شهاب الدین به شد رقم سال نقل والیا
 زریب داده بخت الای علی و باز از روی اختلاف جهان به جمعه و عشره محرم
 وان به سال نقلش بگفت ارض و سما ساکن ارج جنیت والیا خمس
 تبریز حال این بزرگوار کاشمیر فی البنته النهار از غایت اشهاد محتاج
 باظنه اینست در ۴۴^۳ هجری رخت اقامت از پنجهان بر لبست تاریخ
 انیت و نظم عرف بظیر خمس الدین و شهر تبریز مکنتش به یقین
 سال تاریخ نقل اورضوان و زورتم خمس ارج معدن و جهان و خمس
 الدین روحی از مشایخ درویشان بوده و سلسله بیعت نیکو چاری
 سید اشث در ۴۴^۳ هجری انتقال کرد تاریخ و فالتش انیت شیخ روحی
 که بود از استحقاق بزرگواران روئے زمین و مرشد عصر بود تاریخش
 نه اتفاقات و هر گشت همین حسن العین عبد القادر جیلانی
 اشتم فضش محی الدین و ملقب محبوب بجانی است در ۴۴^۳ هجری ولادت یافته
 رسیده چنانچه ازین فرد پیدا است فرود سال مولود آن معنی نشان و
 با نظم گفت کاشف و جهان و در ۴۴^۳ هجری بسیک اجابت بداعی اجل گفت

چنانچه ازین نظم موجود است نظم آنکه بے شک قطب ربانی بود و بیگان
 محبوب سبحانی بود و شاه شامان شیخ عبدالقادر است و دلنشین و
 دل باو دلبر است سید عالی نسب در اولیاست و نور چشم مصطفی و تقوی
 است و سال مولودش که بس رنگین قر است و شد رقم محبوب عبدالقادر
 است و عقل سال نقل آن عالی شیم صاحب فروس عالی نزد رقم و
 عبداللہ انصاری در سنہ ۹۱۰ هجری انتقال کرد و در ہرات مدفون گشت تاریخ
 ولادت و جلتش نیست نظم آنکه او بود قزوہ انصاری بیگان مرشد
 صنعا و کبار نام آن عارف خدا آگاہ و خواجہ فیض بخش عبداللہ بہ سال
 مولود و سال ولت او جان انصاری و اہل جنیت گوہ سال نقاش با اختلاف
 عبادہ با نظم گفت زیب جنیت باوہ عبد اللہ مرشد عالمگیر بادشاہ
 بود در سنہ ۹۲۰ هجری انتقال کرد تاریخش نیست قطعہ شیخ عبداللہ والا
 جاہ عرفان دستگاہ و دید شک حق شناس و حق پرست و حق نماہ شد
 رقم سال وصال آن حقائق دستگاہ بود و عبداللہ بشک منتقی از اولیاد
 علاء الدین واضح باد کو علاء الدین علی احمد صاحب ہمیشہ زاوہ شیخ فرید الدین گنج
 شکر بکان موضع کلیر متصل بر دوار بود و با شش سپید اشتند در سنہ
 ہجری روضہ اش در کلیر بنا یافت چنانچہ بر مقبرہ اش مین تاریخ نوشتہ اند
 فروروضہ مخدوم احمد میر علاء الدین علی بن ابنانہ زہاروسی و ہفت
 انجام یافت علی شاہ گجراتی در سنہ ۹۳۰ ہجری تضا کرد تاریخ نیست نظم
 سید بے نظیر شاہ علی و مظہرات پاک لم نیرنی بہ سال نقاش ازین
 سراچہ زشت و خردم گفت نور اوج بہشت علی شاہ گویند کہ در رویش
 در اورنگ آباد بودہ است و از مشایخ کبار آنجا بود مردم آمد پار غایت حسن

عقیدت و ادا و تدبیر و امید استند چون در سلسله هجری از پنجهان فانی رحلت
 کرد و رفیق شاعر قطعه نذآر تاریخ بذا در تاریخ و فالتش نوشت و قطعه سید
 اهل کشف شاه علی و گفت در وقت فراغ بزم بهشت به سال فوتش رفیق
 کرد و رقم و قطعه لم نمود عزم بهشت - عبدالغفور شاه که بابا کپور مجذوب
 مشهور است در سلسله هجری رحلت ساخت تاریخ و فالتش اینست نظم
 شاه عالم کپور مجذوب است به ماه عالم کپور مجذوب است به سال نقش که
 احسن و خوب است و گفت با تعلق کپور مجذوب است حرف الفاء فریدالدین
 عطار احوالش زبان از دلائق است و کتاب پند نامه اش مشهورترین
 کتب است در سلسله هجری انتقال فرمود تاریخش اینست نظم شیخ عطار
 فریدالدین به آفتاب سپهر دانش دین و عمر او یکصد و چهارده سال بود
 از لطف ایزدستعال به سال ترحیل آن همه دوران به قبله اهل جنت است
 بدان و فریدالدین گنجشکر احوال از غایت اشتهار محتاج به بیان نیست
 در سلسله هجری از پنجهان فانی رحلت ساخت چنانچه ازین نظم هویدا است
 نظم افتخار زمان و فخر زمین و شیخ دنیا و دین فریه الدین به روز و رحیل آن ششبندها
 مانند رکن نیست حرف سفک و گمان به سال شنقار او خلیل آمد به
 بر کالات او دلیل آمد فخر الدین عراقی در سلسله
 هجری اشحال ساخت چنانچه تاریخ و فالتش اینست نظم عارف
 به نظیر فخر الدین که عراقی است نام آن به یقین به سال تاریخ به نقل از
 از شاد و جان خلد شد مرقوم فخر الدین دهلوی واضح باد که مولی
 فخر الدین نهایت نیک نهاد و خدا ترس و وسیع الاخلاق بود و نماز
 با و شاه تا وزیر و جمله امیر و نقیر در سلسله بیعت آن بفرر گوارد و آمده بود

آخرش در سن ۹۰ هجری ازین دارنا بحالم بقا شد تا منتهی چنانچه تاریخ و قاتل
 نیست قطعه بگذاشت مخدوم چون مهال را کے فانی و ہرستانہ جاواد
 آن قطب جاودانی ہ سال وفات اناہ از غیب چون کجستہ تاریخ گفت
 تا قطب خورشید دو جهانی بہ فیروز و واضح باد کہ شیخ فیروز از مشاہیر مفسرین
 است در سن ۶۵ ہجری انتقال فرمود تاریخ وفاتش نیست لظہم شیخ فیروز
 مقتدر کے اناہ واقف راز خالق علامہ و عقل تاریخ آن ستودہ شہ
 گفت فیروز زریب اہل بہشت ہ قطب الدین بختیار کاکی الشہر
 بقطب صاحب دہلوی واضح باد کہ وطن اہلی خواہب قطب الدین بختیار
 کاکی قصبہ اوس از توابع ولایت مادرا النہر است در عہد سلطان محمد
 الدین بلتیش در ہندوستان تفسیر آورده مقام دہلی را از قدم
 میمنت از دم منور ساخت و مدۃ العمر فقیرت و بیعت افرشت تا اینکہ
 بتاریخ چہارم بیجہ الاول سن ۳۳ ہجری ازین عالم فانی بملک جاودانی
 انتقال ساخت چنانچہ ازین ہوید است لظہم فیض بخش جہان بعد
 و یقین ہ قطب آفاق خواہب قطب الدین ہ عقل تاریخ نقل آن محمود
 آب جنت بقطب دین فرمود ہ **حرف الکاف** کمال شاہ درویش بود
 در دہلی طلعتہ فقیر را نیکور عہدت ہنمود و سلاطین آن عصر اورا بسیار
 و پرتر میداشتند در سن ۳۶ ہجری محرم ملک بقا کرد و تاریخ وفاتش نیست
 قطعه رفت چون شاہ باکمال از دہر ہ صد ہزاران غم و ملال آمد ہ سال
 تاریخ رحلتش سن ۳۶ ہجری گفت انعم کمال آمد ہ **حرف الیم** سر و کرمی
 احوالش کاشمیر نے رابعۃ النہر ہ روشن است در سن ۳۶ ہجری ہ یک
 اجابت بداعی اجل گفت تاریخ وفاتش نیست **حرف واکہ** معرفت

کرخی است بگویم دل کرخ است سال رحلت او محی الدین سردی
 احوال این بزرگوار مشهور و معروفست و کتاب فتوحات مکیه از لغات است
 در ۳۳۰ هجری ازین عالم خالی کوچ نمود و تاریخ ولادت و وفاتش انیت
 نظم لقب خاص او محی الدین به مرشد کافه زمان و زمین به مفهیم تجار همه رمضان
 که در آفاق شد جو خورشیدشان به چون شد او ثانی محی الدین به سال مولود
 او به ثانی بن شد رقم سال نقل آن نامی به قدس الهند سره الهامی به معین الدین
 چشتی ابن غیاث الدین سجری واقع پاوه که خواج معین الدین چشتی در ۶۰۰ هجری
 هجری هنگامیکه سلطان شهنشاه الین غوری دہلی را فتح نموده بود در وطن
 شدند بعد از آن در اجیر لغت برده آن بلده را از قدم بهمنت لزوم خود نمود
 فرمودند آخرش تاریخ شانزدہم رجب المرجب ۶۳۳ هجری از پنجمان فانی
 طرف عالم جاودانی کوچ فرمودند و در اجیر بدان کوه ساحل کتاب چهاره
 هزار آن بزرگوار واقع گردید تاریخ وفاتش انیت نظم فیض بخش جهان
 بعلم و یقین به خواجہ حق نامعین الدین به رونق خاندان چشت از دست نیست
 روضہ بہشت از دست به سال نقلش لغت و تکمیل به گو سراج
 جهان معین الدین به محمد دوم جهانیان جهان گشت بنیرہ جلال الدین
 بخاری است و احوال جهانگرمی و سیاحت آن بزرگوار بر تمام جهان و جهان
 روشن و آشکار است در ۶۳۰ هجری از پنجمان بملک جاوودان کوچ گردید تاریخ
 وفاتش انیت نظم سید بے نظیر و بے مانند به مصطفیٰ راست بیگم
 فرزند دولت از حرص و از هوس و دست به لقبش در جهان جهانگرمی است
 جدا و سید جلال آمد و ذات او بر صدر کمال آمد و به بخارا چشم بدولت
 اوست و به بخارا شرف به نسبت اوست و اوست بے شب از کمال

علوم و بجهان و جهانیان مجازوم و سال شفق آن عزیز جهان گفت
 طاعت هجرت خلد و جنان و سال ترحیل آن خدا آگاه گفت رضوان گل
 بهشت اله محمد گیسو دراز و واضح باد که سید محمد گیسو دراز مشهورترین زمان
 است در شصت و هجری بیک اجابت بداعی اجل گفت تاریخ وفاتش نیست لظلم
 آنکه سید محمد شش نام است و بیگمان پیر ایل ایام است و عالمی را که سید
 چه آرد و بر سینه های گیسوان دراز و سال نقلش که بچه لولو سفت و عقل
 مخدوم دین و دنیا گفت محمد غوث گو الیاری مرد صوفی مذہب
 عامل کامل بوده است چنانچه بعد از آن تاریخ کشتن او دشمنان خود را
 زبان زد و خلاق است در شصت و هجری رحلت ساخت تاریخش نیست
 لظلم سیدالاولیا محمد غوث و سیدالافتیا محمد غوث و سال
 نقلش پشمی رضوان و غوث نیل لوت زورقم بر خوان ملا شاه
 و شاد شانه زاده دارا شکوه بود در شصت و هجری انتقال کرد تاریخ وفاتش
 نیست لظلم مقتدای زمانه ملا شاه و نور اللہ قبره و شراه و عقل تاریخ
 آن خدا آگاه گفت محبوب خلد ملا شاه و محمد و شاه از شاه
 کبار و اکابر و یار بک و کن بوده است مردم انجام کمال ارادت و عقیدت
 با و میداشتند در شصت و هجری سفر آخرت نمود چنانچه ازین مصراع
 پیدا است ع خدا یا پیام ز محمود را و حسد النون جسم الدین کبری
 از مشایخ حضرات صوفیه است در شصت و هجری رحلت ساخت چنانچه
 ازین لظلم هویدا است و لظلم آنکه خورشید پیش او صغری و الملقب بچشم دین
 کبری و نهم ماه صوم و شکیند بود که زود بنا بجلد عمر نمود و سال تاریخ
 نقل آن محمود و خرد مقتدای دین فرمود نعمت القدر ولی واضح با

که شاه نعمت اللهدوی از مشایخ پیر زمانه است در ۳۳ هجری از خجستان فانی
 رخت زندگانی بر کشید چنانچه ازین ابیات واضح است لطمه آنکه روشن تر از
 خورشید ماه است به شاه کونین نعمت اللهداست به قدوه دو دمان آل عباس است
 زبده خاندان صدق به صفاست به آنکه مفتاح باب فرود است به نقل
 آفتاب فرود است نظام الدین اولیا پسر ابوالوفی بن سید احمد در تب
 تاریخ نوشته که سید محمد نام بزرگوار معه فرزند خود سید احمد و سید
 سید عرب نام بزرگوار از ولایت غزنین بالاتفاق در هندوستان
 و در بایون توطن اختیار فرمودند سید محمد پسر خود سید احمد را از دختر
 سید عرب عقد ازدواج بستند و در ماه صفر ۳۳ هجری سید نظام الدین
 اولیا متولد گردید پس هرگاه عم نظام الدین اولیا به نسبت پنج سال رسید
 از بایون پدری تشریف آوردند و تحصیل علوم نمودند و چون تعریف و توصیف
 شیخ فرید گنج شکر شنیدند بطرف اجودهن روانه شدند و فیوض ظاهری
 و باطنی حاصل ساختند پس بر حسب اجازت پدر بزرگوار خود در عهد سلطنت
 سلطان علاء الدین خلجی در دهلی آمدند و بر ساجده ولایت نشین و هزاران
 هزار امیر و غریب در صنفه بیعت درآمدند چنانچه احوال کشف و کرامات و خسر
 عادات حضرت ایشان بر زبان خلائق جاریست آخرشس واقع تاریخ ۱۸
 بیخ الاوی ۳۵ هجری ازین دار نایاب بملک بقا کوچ کردند چنانچه
 تاریخ و فاکتال نیست نظم انتظام زمان و اهلزمین به شیخ عالی
 نسب نظام الدین به سال رحیل آن سوره شیم به نزد فرزند بده بهشت
 رقم و تاریخ دوم نیست قطعه نظام دو کیتی شه ماو طین به سراج و
 عالم شه بالیقین به چو تاریخ نوشتن بحسب رسم ز غیب به ندا و اوائف شهنشا

دین نصیر الدین محمود چرخ دہلی واضع باد کہ چراغ و ہلی خلیفہ نظام الدین اولی
 در عهد غیر در شاہ بادشاہ دہلی بودہ اند و سبب نقشبند چراغ دہلی چنین
 اند کہ عبداللہ پانسی بکامعظم در حالت طواف از محروم جہان جہان گشت
 پسید کہ اکنون در دہلی کد ام کس دلی است محروم جہانیاں جہانیاں
 شیخ نصیر الدین محمود درین زمان چراغ دہلی است پس از ان روز نصیر
 چراغ دہلی لقب گردیدند آخر مشن بمصدق کل نفس الوقت الموت این
 چراغ دہلی در ۵۲۰ ہجری از پنجان فانی رخت زندگانی بر بستند تا پنج و ناک
 اینست نظم آنکہ و التشر حیا غمراہ یقین نام نامی او نصیر الدین بہ ذات
 او را چراغ دہلی وان بلکہ خورشید بر دو عالم خوان شد ز رو ما
 جوان نصیر زمان سال نقلش بہ بہشت بدان بہ حرف الو او و بہشت
 کجائی در ۹۹۸ ہجری رحلت کرد تا پنج اینست نظم قدوة الاتقیاء جہانیاں
 عالم حق تا وجہہ الدین عقل تا پنج نقل آن بنوشنت کہ علوی حقا جمال
 بہشت بہ باب پنجم در بیان حکم و اطبا حرف الالف ابو علی سینا
 واضع باد کہ حکیم ابو علی سینا طبیب کامل جہید فاضل بود مخاطب بختاب
 شیخ الزیس بود و در عمده ۵۰ سال کتاب قانون طب تصنیف کردہ و کتاب
 شفا و اکثر رسائل طبیبہ از تصانیف اوست در کتب تواریخ نوشتہ کہ شیخ
 ابو علی سینا در عهد سلطان نوح بن منصور سامانی بودہ است و بکرت
 سلاطین سامان دست رسی حاصل کردہ بود و قضا روز سانش
 زدگی گردید و کتب تصانیف حکیم ابو نصر فارابی و دیگر حکما ر یونان کہ در ان
 کتب خانہ بود جمیعہ سوخت شد مردمان شیخ الزیس را بہ ہم باہراق
 کتب نمودند پس ہر گاہ سلطنت سلاطین سامانیاں رو بہ سنزل نہاوا

سلطان محمود غزنوی قصد گرفتاری شیخ الریس نمود شیخ الریس بمنع
 را در یافت کرده روانه پیدان گردید و بحضور سلطان شمس الدوله حاضر شد
 شمس الدوله تقدیرش را قیمت شمرده بکمال تعظیم و تکریم پیش آمد شیخ
 الریس را وزیر خود منظر نمود و بالجمله وقایع و سوانح اش ازین قطعه هویدا است
 مصنف این قطعه گویا آب در پارا بکوزه گنجانیده قطع منج فضل ابو علی
 سیناه در شرح آمد از عدم وجود در شفا کرب جمله علوم و در تذکره این
 جهان پدید آورده شد شیخ ^{ابو} عدو شفا ^{او} عدو تذکره و بعضی گفته اند که رحلت
 شیخ ابو علی سینا در ^{۳۰۰} هجری واقع گشته چنانچه ازین نظم هویدا است
 نظم آن حکیمی که ابو علی سینا است در ^{۳۰۰} هجری واقف و بینا است سیال
 موجود اول مینامد گفت قابل ابو علی سینا سال نقلش باختلاف عباد و تقیم
 گفت زبیب جنت با ده ^{۳۰۰} هجری از حیر اندیش خان از قوم کبینه در
 عهد بهادر شاه بادشاه ابن عالمگیر بادشاه بمقام میراث بوجه حسن
 میگذرانید و خود را در زمره اطباء شمار میکرد و چنانچه کتاب خیرالتجار ب
 ترجمه طب هندیه از تالیفات اوست در ^{۳۰۰} هجری پنجاهانی را
 پدید آورد ساخت چنانچه تاریخ وفاتش اینست بوم عبیدیه بهشت رسید
 خریف العین علونخی خان حکیم سید محمد با ششم نام داشت ابن سید
 عبدالهادی در عهد سلاطین تیموریه از ولایت ایران در هندوستان
 رسیده در حضور محمد شاه بادشاه در نزد معیره اطباء پایه تخت سرفراز
 و ممتاز بود و خطاب بمحمد الملوک محمد شفقانی خان یافته بود و با سهری و سرداری
 میگذرانید و در اطباء زمان استیاب از عظیم داشت اگر جالبینوس
 زمان دارسطورے دوران گفته شود و مطابق واقع صحیح و درست است

کتاب جمع الجوامع که بطریق قراپادین تالیف کرده است تفریض و توصیف
 این کتاب شدن نمیشود آنکه است وقتیکه نادرشاه پادشاه قتل عام
 و ملی نمود و اکابر مردم همزن را انتخاب نموده همراه خود بولایت ایران میبرد
 چون بمنزل اول مقام کردند و در آن روز شدت حرارت آفتاب بسیار بود
 هرگاه در خیمه رسیدند نادرشاه گفت که حکیم علوی خان را حاضر آرند چون
 حکیم موصوف در خدمت نادرشاه حاضر شد گفت که حکیم صاحب
 بیماری و مرضی لاحق حال خود دارم علاج بکنید لیکن شرط اینست که نه
 بنض رسانم نه فایم و نه قار و نه احوال نریزانی گویم و نه ادریه خورم و نه تلبیس
 نخرم و نه بشل احمد و غیره بچسبم و باوصف اینهمه مراتب مابدولت
 در صحت حاصل گردد حکیم علوی خان بجد استماع این معنی سخت خجسته
 و در لجه فکر سر فرود بعد ساعتی چهره آن ظالم را معانته فرمود و دریافت
 کرد که سنج چشم و پوست چهره و بد مزاجی بر صداع دلالت دارد پس
 از نادرشاه گفت که تجویز ادریه میکنم و نماز ظهر ادا کرده باز حاضر میشوم
 پس از آنجا بر خاسته خود را دایه نماز مشغول شد و خدمتکار خود را
 حکم داد که یکقطه بادکش از گل گلاب موسمی که سد گلاب نام دارد
 طیار سازد و از عطر صندل سفید و عطر حسن اشمال آن بادکش
 را بر تبر بکند خادم کار خدمت بجا آورد و حکیم علوی خان آن بادکش را
 در دست گرفت نزد پادشاه حاضر شد و گفت که در فکر تجویز ادریه
 بازگفت که بادکش خوب میازم اگر حکم شود خدمت سلطانی بجا
 آرم پس بر حسب اجازت و حکم از آن بادکش بر چهره نادرشاه هوا
 کردن آغاز نهاد چون خوشبو که آن بدماغ پادشاه رسید و نظر

آن بر چه و پیشانی اش افتاد و نمودگی آغاز نمود و به نوم غسریق خواب
 کرد حکیم علویخان از آنجا برخاسته بمان خیام خود آمد بادشاه قریب
 دوپه خواب کرد چون برخاست آخره از سرور و باقی بنود فی الفور حکیم
 علویخان را طلبید و گفت که فی الواقع مثل تو طیب پیدا نمیشود
 پارسه بگو که چه حاجت داری و انرا روا کنم حکیم علویخان گفت که شرط
 کنی که هر چه گذارش نمایم پذیرا گرد و بادشاه وعده ای ساخت
 حکیم علویخان عرض نمود که بادشاه سلامت این بنده را حکم شود که
 باز بطرف دینی معاودت کنم و تا مده العمر روئے مبارک ترانه بینم نادشاه
 گفت انوس صد انوس که چنین طیب همچو حیدله از من جدا شد
 القصد بغیرت و حرمت تمام حکیم علویخان را نادشاه معاود دینی ساخت
 بالجمله حکیم علویخان در دینی بسلاج و سالی مخلوق اشتغال داشت تا یک
 و در ۶۱ هجری از یخپان فانی بعالم جادوانی کوچ کرد و چنانچه ازین شعر
 هویدا است فخر و جو سال رحلت علوی بختم ده بگفت مهالف طبابت
 از جهان رفت حرف الیم مرزا محمد خان دهلوی حکیم این سنی عنایت
 احمد خان که یک از منصب داران سلطان شاه عالم بود و مدعی علوم
 معقول و منقول شمشید مبنای فروع و اصول اگر همه تن زبان گردوشه
 از توصیف و تعریف آن جلیل القدر و ایشان بظهور نرسد تصانیف
 لافحه یا دگاران جناب است از آنجمله حاشیه شرح موجز بلاغیسی
 در طب و کتاب نثره اثنا عشری در علم کلام و لیکن از آنجا که بمصدیق
 کل من علیها فان در ۲۵ هجری ازین دارنا پادار بعالم بقا استحال
 چنانچه سید رضی علیها الفضا حسب که در شا بهمان آباد از طرف اکبر شاه

ثانی بادشاه بطرف رزی پندش صاحب دلی وکیل بودند تاریخ وفاتش از لفظ
 ختمه فقه چنین نوشته قطعه چو مرزا محمد فقیه زمانه ز زر هر پاهل عد و شمشیر
 رزی گفت تاریخ آن ختم فقه و در فکر فقه بخاطر رسید محمد شریف خان
 و بهوی حکیم ابن حکیم محمد اکمل خان از اطباء پایه تخت بادشاهی است در جمیع علوم
 بیشتار و اثباتی بودند فی الواقع اگر چه یوگانه زمانه را افلاطون زمان و ارسطو دوران
 شود عین موقوف و جاست کتاب ماشیه شرح اسباب و حاشیه شرح انفسی
 و شرح مبحث حمیات قانون و کتاب علاج الامراض و عباله نافع و امثال آن
 از مصنوعات آن بگانه زمانست چنانچه تاریخ اختتام علاج الامراض را خود از
 لفظ علاج الامراض استخراج کرده حیث فال رباعی این نسخه و کثیر بود
 رشک ریاض و یک لحظه روانیست ز سیرش اعراض و نامشیر چو علاج الامراض
 است بگو و تاریخ تمام هم علاج الامراض و محمد شریف خان لکهنوی حکیم و بعضی
 اسم آن بزرگوار را حکیم مرزا علی شریف خان نیز میگویند طبیب حاذق و لکته
 صادق مستجمع کمالات بود بر اکثر کتب قدیمه طبیه حاشیه و تبقیه نوشته است
 در ۳۱۰ هجری بلیک اجابت بداعی حق گفت چنانچه ازین قطعه مضمضه شیخ
 امام نجاشی نسخ هویدا است و قطعه درینا ازین دارفانی گذشت و حکیم
 طبیب لطیف ظریف و خسر گفت سال وفاتش که ما که صد افسوس
 مرزا محمد شریف و محمد سعید الله بدایونی حکیم قسبه گاهی و ولی نعمی ابن حکیم
 محمد عبدالله ابن محمد فتح الله ابن محمد امان الله ابن دیوان محمد فیض الله خان دیوان
 بادشاهی صوبه بنگاله الصدیقی المجدی السبنه واری ثم البدایونی واضح باد و الی
 مردم و اکثر علوم یگانه زمانه بودند و در ۱۲۰۰ هجری بمقتاسم پدایون امام باد
 بسیار عمده تمیز فرمودند تاریخش را نیست قطعه ساخت تعمیر چون

خانه اقدس از پے ماتم و سال تاریخ چون طلب کردم شد ز ناقت ندا مقام
 غم و دیگرے گفته قطعہ گشته امام بازہ تعمیر در بیدایون و تا حشر
 یا الہی باقی بود قیامش چہبستم چو سال از اہر خبر و بگفتہ فیض امام ہر
 تاریخ اختتامش بہ آخر شن بصدق کل من علیہا فان و در ۱۳۳۰ ہجری
 لبیک اجابت بداعی حق گفت رہو لوی محمد معین الدین تاریخ چنین گفته قطعہ
 چو رحلت کرد از دنیا حکیم عاقل و انا و بیدیل عزت خیر اورا اسوار کشتی شدہ
 چو بر سیدم ز حال نصرت آن جنت المادہ بگفتا ناقت غیبی سعید اللہ ہستی
 شدہ ہر زرا محمد علیخان لکھنوی حکیم جالینوس زمان و فطالون عصر بودہ
 و مرحلہ توپ دروازہ لکھنؤ سکون داشتند و در ۱۳۶۰ ہجری لبیک اجابت بداعی
 حق گفت چنانچہ تاریخ وفاتش میر علی اوسط رشک چنین گفت قطعہ
 بقراط زمانہ بو علی سینا ہای فخر ہمہ سابق و لاحق افسوس و تاریخ وفاتش
 سلم رشک نوشتہ ہ افسوس طہیب نامی حاوق افسوس ہ میر جان
 لکھنوی حکیم مرد دانا و عقیل و وسیع الاخلاق بودند و در ۱۳۸۰ ہجری ازین
 جہان فانی بعالم جاودانی انتقال نمود میر علی اوسط رشک تاریخ وفاتش
 چنین گفته قطعہ آہ افسوس میر جان حکیم کہ نکو داشت طبع و خلق نفیس ہ
 مرد و تاریخ رحلتش گفتم ہ ماہ شوال جیف لیں خمیس ہ باب ششم
 بیان سہر احرف الالف الوری شاعر یریم و بے مثل در عہد
 سلطان غیاث الدین علم استادوی می افزاشت و از مداخان سلطان
 مذکور بودہ است و در ۱۳۸۰ ہجری از نیہان فانی در گذشت چنانچہ از لفظ
 بے مثل سال تاریخش مستخرج میشود و اصفی خواجہ اصفی از مشاہیر شعرا
 در ۱۳۲۰ ہجری رحلت کرد و در کتب تواریخ نوشتہ کہ اصفی مذکور خود دیگر و

پیش از رحلت این رباعی گفت بود رباعی ساله که رخ آصفی هفتاد و نهاد
 هفتاد و نهام کرد و از پانزدهمین مرحله رفت و گشت تاریخ وفات و همیو و
 ره عدم بچشم هفتاد و آرزو اسم سراج الدین علیخان و هلویت شاعر
 سلم الثبوت بوده بر سکنر نامه شرح بسیار خوب نوشته است و در
 هنگامیکه شیخ علی حزمین از ولایت ایران در هلی رسیده بود خان آرزو
 بملک الشعرا می خواند و ستان شهرت داشت از شیخ علی حزمین مناظره
 و مقابله نمود و آخر بمصلحت انجامید آخر شیخ خان آرزو در ۶۹ هجری رحلت
 ساخت چنانچه میر غلام علی آزاد بگرامی تاریخ وفاتش چنین گفت قطعه
 بخان دلاشان سراج الدین علی و شمع رونق بخش برزم گفت گو
 زد قسم آزاد سال رحلتش و رحمت کامل بروج آرزو به آتش خواجه
 حیدر علی آتش از مشایخ شمر در کهنه آرد و گوشت سالها سال در باب
 مثل شعرا می باشی امام بخش نامش طرح مناظره و مقابله انداخت
 در ۶۳ هجری این جهان فانی را گذاشت چنانچه ازین قطعه مصنف میر علی او
 رشک هویدا است قطع خواجه صاحب تخلص آتش و چاق بودند و تضال
 مرند و مخالف ای رشک چنین مصعبی گفت و خواجه حیدر علی ای و او
 مرند و اکبر ملا علی اکبر شیرازی درین زمان در کهنه میگذرانید جامع اوصاف
 ستوده بوده در ۱۱۰ هجری انتقال کرد تاریخ انیت قطع باد ملا علی اکبر
 یارب و با تمامی شهدا روز نشور و چه تو انگفت ز نظم و شورش به بود از اهل
 زمان آن مغفور و رشک تاریخ وفاتش بنوشت و این شود با علی اکبر
 مشهوره حرف الیاء با باغغانی از شعرا و قدما سلم الثبوت است چون
 در ۶۲ هجری وفات یافت مرزا حسین قلی خان متخلص عاشقی تاریخ

وفاتش چنین موزون ساخت **قطعه** حیف با بافتانی انصاف و بهجواد
 نیست در زمان وزین و بود سعدی و حافظ شیرازی و مختار بود و طرز نو کهن
 سال آسودنش چون خواست کسی و عاشقی گفت با ملال و محن و ده که امشل
 اوست در عالم و موجد و بانی در امام سخن و به **بیدل** شخلص نامش
 مرزا عبدالقادر است شاعر باوقار و از مشایخ کبار بود و دیوان و آثار
 نثر عجیب و غریب دارد چون در ۳۳ هجری ازین جهان فانی رخت زندگانی
 بر لب تابخ وفاتش چنین یافتند ع رفت **بیدل** ز غم آباد فناء
حرف الشار ثابت خواجہ حسن نام سوادگرے در کهنه بود و طبع
 سوزون داشت در ۶۳ هجری انتقال کرد و شیخ امام بخش ناسخ تاجیش
 چنین گفته **قطعه** خواجہ حسن چون یافت وفات و گشت غمش بار بار
 ناسخ سال فاش گفت و خواجہ حسن مرده امروزه **حرف** البیجم
 جامی تخلص ملا نورالدین عبدالرحمن نام داشت از علماء زمان و شعر را از
 دوران بود شرح کافیه که بشرح ملا جامی شهرت دارد و در علم نحو تصنیف
 کرده و در احوال سلف کتاب شواهد النبوة و فضحات الانس بیایه تالیف
 رسانیده و دیوان جامی دیوسف زلیخا از تصانیفش مشهور و معروفست
 در ۹۹ هجری ازین جهان فانی بعالم جاودانی انتقال کرد و چنانچه لفظ نرومند
 ماده تابخ وفاتش است و دیگر چنین موزون ساخت **قطعه**
 جامی که بود قابل زنت قییم شده فی روضه سقر سته ارضها السار و
 ملک قضاوشت روان بر در بهشت و تاریخ و من دخل کان آمنه
 جامی پنخوش شاعر غزالشهر و معروفست در ۱۰۰ هجری رحلت ساخت
 مرزا محمد افضل سرفروش تابخ **قطعه** چنین موزون ساخت **قطعه**

عظیم القادری
 صاحب
 کتاب
 تاریخ
 ۱۰۰

رفت جامی بخود از عالم در ریاض جنان مخلد شده سحر اش مهر فوت
 شد تاریخ جامی از جام حمید بخود شد حبرات تخلص اسمش قلمند
 است از مشایخ شعر اهندی آرد و گوشت در سالک هجری در بلده کهنه دولت
 کرد شیخ امام بخش ناسخ تاریخ وفاتش زبان ریخته چنین گفت قطع
 جب میان جرات کا باغ دهر سے گلشن فردوس کو بانا ہوا مصرعہ
 تاریخ ناسخ نے کھا ہا مانے ہندوستان کا شاعر ہوا **عراقی**
 حافظ اسم مبارک شمس الدین است و مشہور بخواجه حافظ شیرازی
 از مشاعر استندین است و حال آن بزرگوار از غایت اشعار محتاج بہ بیان
 نیست و در تمام روئے زمین دیوان حافظ مشہور و معروفست در **۹۸۰**
 ہجری وفات یافت بسبب ہزار داستان تاریخ وفات اوست و دیگر تاریخش
 چنین منگھوم ساختہ اند لفظ افصح بے نظیر شمس الدین طوطی سبز ہزار
 مخلد چنین بسبب اشیاں گلشن راز و بیگمان است خواجہ شفیق راز
 بود غیب اللسان حکیم خدا بود اندک مدد رہا ہوا سبک و عارف و محقق بود
 حافظ عالم و مدقق بودہ گفت تاریخ نقل آن عارف طوطی نسلد
 بیگمان ناٹف حزمین تخلص شیخ علی اسم آن رئیس است از کشور
 ایران باجاہ و ششم فراوان در ہندوستان رسیدہ بود چندے در فہلی
 قیام کردہ از آنجا بصوبہ اوہ روانہ شد و از نواب شجاع الدولہ بہا اور
 ملاقات ہمسکے داشت تا انیکہ در عین سیاحت بہ بلدہ بنارس رسید
 و آن بلدہ را در خاطر بسندہ بدو چند سال بغایغ البالی و امیر سے
 اوقات شریف بسر نمودہ در **۹۸۰** ہجری انتقال فرمود میر غلام علی
 آزاد بلکہ امی تاریخ وفاتش را ازین مصداق استخراج ساخت

ع از فوت حسین حسین دل ماست حرف النجا و خاقانی نے
 شخص خاص یا سمش افضل الدین است ابن ابو علی شیروانی از قدما در شعر است
 معاصر النوری بوده و بعد وفات النوری یک سال دیگر زندگانی کرد و در ۸۴۳
 ہجری این جهان فانی را پدر و دو ساخت چنانچہ از لفظ ہمیشا
 تاریخ و فاش استخراج می یابد و تاریخ دیگر چنین است نظم
 افضل الدین امام خاقانی و خلف ابو علی شیروانی و عمه اولیا اشعر بوده
 زبده اتقیای نصی بوده و شافعی مذہب است آن مقبول و اندرین نسبت
 گفتگوئے فضول ہ سال تاریخ نقل اورضوان ہ گفت طوطی جنت الحق خون
 خسرو واضح باد کہ اسم امیر خسرو ابو الحسن است ابن سیف الدین محمد
 از مردم ولایت نداشت و بعضی بر آنند کہ اصلش از قصبہ متالی است
 چنانچہ این اختلافات در کتب تذکرہ ناموشته اند بالجملہ امیر خسرو
 مرید نظام الدین اولیا بوده در عهد تعلق شاہ علم تصوف و شاعری
 می افراشت و فی الواقع شاعرے عدیم النظیر بودہ چنانچہ از تصانیفش
 کتاب قرآن السعیدین و غیرہ بر متانت کلامش شاہد عا دل است و آن
 تاریخ ۶۹ ماہ ذیقعدہ ۷۲۰ ہجری وفات یافت تاریخ وفاتش اینست
 قطعہ امیر خسرو و ملک مقال ہ آن محیط فیض و ریاض کمال ہ نثر او
 و کلامش ترازا ماسعین ہ نظم او صافی ترازا آب زلال ہ بیل و ستارے
 بارغ دین ہ طوطی شکر شمال ہ شمال ہ شمال ہ اندر سپے تاریخ سال فوت او ہ چون
 نہاد م سر برانویے خیال ہ شد عایم التل یک تاریخ او ہ دیگرے
 شد طوطی شکر مقال ہ خلیق مخلص امیر سخن نام ابن میر غلام حسین صاحب
 مشوی قصہ بدر منیر و بے نظیر ابن امیر غلام حسین صاحب کہ با مرزا رفیع

سو اوہا جبات ازومی ماند بالجملہ میر خلیق آدم وضعہ اردو وسیع الاخلاق
 وجامع اوصاف ستودہ بودند اکثر اوقات بمقام فیض آباد قیام فرمایا
 وہ ہر چند آن بزرگوار را در جمیع فنون شاعری دستگاہ کامل حاصل بود
 لیکن در باب مرثیہ کوئی جناب سیدالکامل امام حسین علیہ السلام مثل
 میان خلیق دیگر کے کم بر خاستہ است چنانچہ این معنی اور تمام بلاد ہند
 پر ظاہر است در سنہ ۱۰۰۰ ہجری ازینجہان فانی بعالم جاودانی انتقال کردند
 میر علی اوسطرشک این قطعہ در تاریخ وفاتش گفتند قطعہ بہتر سخن
 خلیق افسوس بہ بس عطف و شفیق بود استاد خوش بیان شاعر
 زبان دانے خاص در این طریق بود استادہ رشک نالید و گفت
 تاریخش پائے ہی اے خلیق بود استاد **حرف الہی** سعدی
 تخلص سخن مصلح الدین است بالجملہ احوال شیخ سعدی شیرازی از
 غایت اشتہار احتیاج بہ بیان ندارد کتاب گلستان و بوستان
 و کلیات دیوان سعدی در تمام روئے زمین مشہور و معروفست و **دیوانہ**
 ہجری ازینجہان فانی بلکہ جاودانی انتقال فرمود چنانچہ تاریخ وفاتش
 از الفاظ ملک الشعر امویہ است و شاعرے دیگر قطعہ نذا منظوم نمودہ -
 قطعہ روان جان پاک شیخ سعدی بہ برون شد زینجہان از روئے
 اخلاص بہ چو از خاصان حق بود آن شہنشاہہ ازان تاریخ نوشتش
 گفتہ شد خاص بہ **سرد** واضح باد کہ حکیم **سرد** در حالت مجذوبیہ
 اوقات میگذرانید و کلمات خلاف شرع شریف اکثر از **سرد** بر سینہ
 چنانچہ لغتو اے علمائے دین و مفتیان شرع متین بقتل رسیدہ
 و این واقعہ در سنہ ۱۰۰۰ ہجری بظہور رسیدہ است چنانچہ ازین نظم ہوید است

لظیف عارف حق حکیم سرمدی بود در همه عارفان سرآمد بود و گفته ام سال الفل آن
 مقبول بود و مقبول سرمدی مشغول و مسوودا تخلص مزار رفیع نام داشت این
 مزار محقق شفیق در ممالک هندوستان چنین شاعر بمشال در آرد و گوی پدید آمد
 و در فارسی گوئی هم دستگامت کامل داشت در ابتدا ببلده پیران آبا همتا
 بود و در انتهای اوقات عزیز خود را بمقام بلده لکنئو بخشید و عشت تمام بسر
 میفرمود و چون در فرخ آباد نیز در خدمت رئیس انجانواب جنگش گذرانید و در
 هر مقام قصائد عمده و نفیس و غزلیات بلکه هجویات بسیار تصانیف رسانید
 چنانچه دیوان کلیات او مشهور و معروفست تا اینکه در لکنئو در شوال ۹۹۰ هجری
 از بیهان زخم هستی بر بست چنانچه از قطعه شیخ امام بخش ناسخ مودیت
 قطعه از زخم آبا و دنیا رفت بخلد رفیع سوواد گفته ام سال وفاتش ناسخ
 شاعر هندوستان و او یلا حضرت الصاد صاحب تبریزی از اجله شعرا و
 ایرالت معاصر شیخ ناصر علی شهسوری بوده و وفاتش در بهشت اقلیم شهرت
 دارد چون در سنده پجری وفات یافت مزار محقق افضل سرخوش تاج و وفات
 چنین یافته صاحب وفات یافت **حضر العین عرفی شری**
 از شعرا مسلم الثبوت پایه تخت اکبر بادشاه است تصانیف بسیار نفس و
 عمده گفته است چنانچه متداول و مشتهر است بلکه قصیده که مطلعش
 نیست فر و این بار گاه کبست که گویند بجز اس به کاسه اوج عرض مطمح
 ترا محاسن که در تعریف روضه منقده جناب امیر المومنین علی ابن ابی طالب
 علیه السلام بمقام نجف اشرف بر روضه منقده نوشته اند در ۹۹۰ هجری
 وفات یافت و استاد البشیر تاج وفات اوست در کتب تواریخ نوشته
 که عرفی در حین حیات خود شعر نیا گفته بود و در فر و کجاش مژده از گوت تاجت

برده و اگر بزید باکم کنی در گه تبار پس حسن عقیده عرفی استماع رو و در آن
 که در گاه صفت عرفی یکی از حد ما گران اینست پس سر در نهاده مرده بود و از جهت
 انتقال نفس غایب و بیخفت اشرف بهر و تضرار با شتابه نفس پس خود مشغول تابوت
 عرفی را به نجف اشرف بر روی تخلص نامش تخلص از مردوم سر نهاده است
 شاعرے نادر نازک خیال در عهد شاه جهان باو شاه عالمگیر بادشاه مملو است
 در عهد پادشاه ناصر علی شاه در عهد دولت در وقت الهجری انتقال کرد و در آنجا افضل
 خوش قطع بنا و تاریخ وفاتش گفت قطع دار است علی بهت سینه بر راه
 از راحت در رخ و بهر تنخی رفت و او هم چو خوبه اسس سوسے معنی بود و اول کنده
 ز صومعه کده بستنی رفته به سر خوش ز رخ و سال وفاتش پرسیده گفت
 آه علی ای عالم معنی رفته عمر شقی تخلص میر مومن نام شاعرے بدل و خوشنویس
 اکمل بوده است در وقت الهجری تضا کر و تاریخ وفاتش اینست قطع شرف نجف
 بنام ~~...~~ است بقصر جنان میر مومن به چوپر سندن سال وفاتش
 مغان به بگو سید مومنان میر مومن به حرف الغین غزالی است بهر
 اینست نامی است در وقت الهجری تضا کر و تاریخش صورتی و معنی است
 و قطع کرده نظم غزالی که سخن به همه از طبع خدا و او نوشت به نام بزنگ
 او ناگاه به آسمان بر بروق باد نوشت به عقل تاریخ وفاتش بدو طور به شکر
 نهصد و هشتاد و نوشت خاقل مرزا افضل نام از بهترین مردوم لکنوا است تا
 و روایات مصائب ائمه حضرت علیهم السلام را بزبان آرد و ترجمه کرده
 میخواند و گو یا بانی و محمد جبارین عن همین بزرگوار بوده و گاه بهر با عنایات
 و اشعار درین باب هم تصنیف میکرد و از مولفاتش کتاب ده مجلس
 که وسیله النجات نام دارد و کتاب زاد آخرت کتاب بحسب الیکاد و دستام

هندوستان شهرت دارد و در سال ۱۲۰۰ هجری انتقال کرد و میر علی اوسطار رشک
 تاجخ و فالتش چنین نوشتند قطعه آه این میرزا منیل غافل و دار غفلت
 بار ایچاید رود و گفت رشک این در مصعب تاجخ و وصف و تاجخ و سالان هجری بود
 و اگر سید مصطفی هجری و حیف شعبان و لبست و چهارم بود و حیف
القاه فردوسی طوسی از شعرا قدیم است و در استادی او که را
 مجال و مزدنی نیست کتب شاهنامه حنیب رایش سلطان محمود غزنوی
 تزییف کرده بود و چنانچه قصه او مشهور و معروفست و در سال ۱۰۰۰ هجری
 ملک آخرت گردید چنانچه میرزا حسین علی خان عاشقی تاجخ چنین یافتم
 قطعه طوطی فردوس سخن ناگهان به سوئے جنت کرده چرواز از قضا به عالی
 بنمود و سال او طلب به گفت دل آهائے فردوسی کجا فیضی این
 شیخ مبارک برادر شیخ ابو الفضل است بلکه الشعر فیضی فیاضی
 شهرت داشت و از مقربان بارگاه اکبر بادشاه بود و جامع علوم است و در
 جلوس اکبر شاه فی تفسیر قرآن شریف به لفظ و کتاب بلدین و کتاب مکر او را
 کرده بخشود اکبر بادشاه نذر گزرا نید و مورد اعزاز و اکرام و تحسین و آیین
 گردید و چون در شرف هجری رحلت کرد و صبح شاعر از وفور عداوت و عناد
 تاجخش چنین گفته شد فرد فیضی بهرین چو فردوسال و فالتش فصیح
 گفت سگ از جهان رفت بحال فتح به فطرت شخلص میرزا نام از شیخ
 سلم الثبوت بوده و در سال ۱۰۰۰ هجری از جهان فانی و در گذشت مرزا حسین
 خان عاشقی تاجخ و فالتش را چنین گفته - **قطعه** فطرت بنده شیخ معنی
 رفت سوئے جنان بخوشش عالی به مصرعه سال او جو حبت کسی به عاشقی
 ناظم عالی به قصه تخلص میرزا حسین الدین نام از شیوخ عباسی است سبحان الله

شاعر پیشین ولایتی در ولایت هندوستان که پیدا شده باشد علم معتقد
 و منقول بسیار حاصلش بود و در باب عروض و قافیه بسیار طویل داشت
 و در علم ادب و لغت و فغان آرزو و شیخ علی خزین بوده است در سال هجری
 زودت زندگانی ازین جهان فانی بعالم جاودانی بر لبست میر غلام علی آزاد
 بلگرامی تاریخ و فاش چنین یافته رباعی رفت از عالم سخند شیرین با
 در پیوند خاک شاعر زنگین با بس از او نوشت مرصع تاریخش و کجا
 قلم بر مسالین **حرف القاف** قاسم الوارثی در سال ۳۳۰ هجری
 بود در ۳۳۰ هجری رحلت کرد چنانچه ازین رباعی هوید است رباعی چون
 قاسم یک میرتهد و یک سرشت بد بنگام دولع نامه هجر نوشت و خواهی بود که
 تاریخ وفاتش فانی و تاریخ وفات او بود عین بهشت قاسم کاهی نیز شاعر
 مسلم البتوت است در ۳۳۰ هجری رحلت ساخت تاریخ و فاش ازین
~~سال~~ ~~در~~ ~~من~~ ~~جهان~~ ~~رفته~~ ~~قاسم~~ ~~کاهی~~ ~~قتیل~~ ~~لکهنوی~~ ~~قتیل~~
 تخلص مزار ~~محمد~~ ~~مسلم~~ نام از شعرا نامی لکنهواست دیوان قتیل نهر الفصاحت
 و چندی شربت و غیره در رسائل مجید در قواعد علم فارسی تصنیف کرده در ۳۳۰ هجری
 هجری انتقال نمود شیخ امام بخش ناسخ تاریخ و فاش چنین نوشته
 قطعه شاعر معجز بیان مزار قتیل و رفت ازین عالم سوئے باغ بهشت و
 فلک ناسخ سال تاریخ وفات و سکوی شیرازی فانی نوشت و شاعر
 دیگر سال وفاتش ازین قطعه بر آورده است قطعه رفت زین دار
 فنا چون بستان و اب قتیل و معنی خوب گجانه گجا بار یکی و پس گل و محمد
 این مرصع سرین تاریخش و او نوزده مزار و جهان تاریکی **حرف القاف**
 کشفی تخلص میر محمد صالح نام در عهد جهانگیر بادشاه شاعر مسلم البتوت

بوده است در سن ۳۳ هجری رحلت ساخت چنانچه ازین نظم هویدا نظم
 میر صالح کابل عرفان بوده صاحب کشف راز نیز روان بوده عقل تاریخ آن ستوده
 تراوده گفت کشفی بحسب ادب پیدا و کلیم تخلص مرزا ابوطالب نام از مردم ایران
 است در عهد شاه جهان باو شاه در هندوستان آمد شاعر خوش کلام
 و پر زحمون و پیشانی است چنانچه دیوان کلیم بنی الناس شهرت دارد و در سن ۳۳
 هجری ازین جهان فانی بعالم جاودانی مشافت مرزا محمد رضا طاهر غنی شمشیری
 تاریخ وفاتش چنین یافته قطعه حیف کردیوار این کلمه برید و طالب سنا
 آن بیبل بلغ نعیم و عمر باو وزیر زمین و خاک بر سر کرده سی و سیتم و
 حاجت از اشتیاق یکدیگر گشته اند این هر سردر یکجا مقیم و گفت تاریخ
 وفات او غنی به طور معنی بود روشن از کلیم گدا تخلص مرزا گدا علی نام شاعر مشرق
 جناب سید الشهدا علی سلام در کهنه بهی در ریاست نواب اصف اول بهادر
 و نواب سعادت علیخان بهادر بوده است و نهایت آفت و دانا و وضع دار
 بود در سن ۳۳ هجری بحر طویل ازین جهان فانی بعالم جاودانی انتقال ساخت
 شیخ امام بخش نام شیخ تاریخ وفاتش چنین گفت قطعه رفت چون
 میرزا گدا علی پذیرنجهان سوئے سید الشهدا سال تاریخ گفت دل
 ایواے در مشرق گئے سید الشهدا حرف الینم متین ازین شاعر
 است در سن ۳۳ هجری رحلت ساخت تاریخ وفاتش انیت قطعه
 سروده معنی طرازان و بسوئے عالم عقوبی میان بست و خروف فرمود
 تاریخ وفاتش و متین ایوائے محمل از جهان بست و میر تخلص میر
 محمد تقی نام همیشه زاده سردار الدین علی خان از دست شاعر
 بے مثل بوده احوالش از غایت شهرت احتیاج به بیان ندارد و در

بشروت چشم تمام و قمر زو اگر ابرام مانند و انداخته احوال کرده بمقام صاحب
 بخدمت فیض رحمت نواب فطاح و جنگ این نواب نظام علیخان بهادر ملکی حیدرآباد
 به پسر صاحب جنود و لعل قیام کردند و در هر مقام قصاید و مثنوی و مثنوی و مثنوی
 و تصنیف و ایسان آن ولایت تصنیف فرمودند و آخرش در بدایون و ملک علی میرزا
 اجابت بدایع حق گفتند تلخیص و فاش از نتائج انکار جمیع الامتیاق نیست قطعه
 خان سموالکمان سعدی هندوستان و در فن شعر و سخن خوش و در معنی بسفت و
 سال وفاتش چو دل خواست نژاد الغیب و بود و از آن فرخ بدایون بگفتند
 ایضا قطعه ظهور اللہ خان آن سعدی بند و بنوده مثل او در دهر شاعر و
 چو در جنت رسیده گفت رضوان و نوا خمر بدایون بود و زایر بصیر سعدی
 از شعرا نامی ایرانت و تنبک و در حال هجری از بهمان در شیراز آمده بود شاعر
 تینت آمدن چنین گفت مع ناتف گفتنا بصیر الدین بصیر از آمده و ناسخ
 تخلص شیخ امام بخش نام از اجله شعراء لکنه است تعریف شاعری آن بزرگوار
 از ترقیم الاقلام بیرونست شعر مضمون و بسیار عمده میگردد چنانچه از وادینش بر
 ظاهر و بهر دستا و اکثر شعراء لکنه شرف تمیز بدان بزرگوارند در مثنوی هجری از بهمان
 فانی بجالم جاودانی ستانست میر علی اوسط رشک که از انفسلترین تلامذه خالصین
 قطعه بردار سال وفاتش لغت و قطعه چه عظیم النظر است و مرد و شد
 غم و در و درخ واجب آه و گفت تا بیخ انتقالش رشک و ہی ای افسوس
 شیخ صاحب آه و حرف الواو و اله تخلص علی قلی خان نام از مردم غمستان
 بوده از شیوخ عباسی معاصر بهر شمس الدین فقیر بود و در هندوستان
 از پیشگاه شاه عالم با شاه بروت و امیر میگذرانید و مخاطب خطاب
 نواب علی قلی خان ظفر جنگ بود و از نواب شجاع الدوله بهادر هم قرابت داشت

باجمله شاعر به سبیل و حدیثیم الظمیر توان شمرد در کلمه الهجر می لیک اجابت
 بداعی حق گفت چنانچه ازین قطعه هویدا است قطعه طغر جنگ اسپر گم
 مضمون بکرم قضا از جهانگور حلت و طلب کردن سال تاریخ نوشتش به شرح گفت
 پیوسته والد بر حمت و **حسن الیها** باللقب تخلص حیدر علی نام از
 ترین شعر اراکین است در کلمه الهجر می لیک اجابت بداعی حق گفت چنانچه ازین
 قطعه هویدا است قطعه چون ناقصه خوش کمال و خوش فکر و جانرا باجل سپرد و
 تاریخ وفات گوشت ناسخ به باللقب بشباب مرده صدحیف و فقط
 تاریخ شکست قلعه بهرت بدورد نشستن مهراجه برج اندرسوانی راجه بلونت سنگه
 بهادور بر سندر ریاست از قصانیف مرزا اسدالله بیگ غالب تخلص مهر و

درخشید بر تنی ز جیب خیال
 که کار عظیم است تاریخ سال

تاریخ دولتی که بهادور برج اندرسوانی راجه بلونت سنگه بهادور و قلعه بهرت بدورد

اند تاریخ افکار صاحب اوراق بنها

قطعه برج اندر صاحب و الاشم
 سال تاریخش چو بستم از عدد
 چونکه قصه خوشنما تمسیر زرد
 خانه بهتر همین تقصیر بر کرد

و تاریخ وفات مهراجه برج اندرسوانی راجه بلونت سنگه الی بهرت

از رفتن بلونت سنگه بهرت به پاشا به
 عدل دسترانی و سخا طرف و عطا فتح و هم

سنگه الهجر می

مقام



اصطلاحات

جلال الامین	جلال الیقین	۱	۱۲
لفظ محمد معظم	لفظ محمد معظم	۱۸	۱۲
بمقام مقام	بمقام مقام	۱	
سانو حافظ	سانو حافظ	۱۸	۱۲
عظیم پانال	عظیم پانال	۳	۱۳
نبی امتثال	نبی امتثال	۱۴	۱۹
چیرین عزیزین	چیرین عزیزین	۵	۲۵

تکمیل

بجا	بجا	۱۹	۳۱
از انجیل بجمیل	از انجیل بجمیل	۵	۳۵
مصرع	مصرع	۲	۱۵
عشق	عشق	۲۱	۵۰
این مصرع ازین مصرع	این مصرع ازین مصرع	۱۳	۵۳
امام خلیفہ	امام خلیفہ	۹	۶۱
جنت باد	جنت باد	۱۰	۷۱
در تاریخ نداء تاریخ	در تاریخ نداء تاریخ	۲	۷۲

مرزا محمد کریم ابن حاجی محمد مهدی تاجیر متانی صاحب
 مرحوم ولادت تم مطیع ہناک دوستداران طرولیں شیخ
 خوان بیتال و طریف و لطیف و خوش بیان و
 خوش قلم بودند سال ۱۲۸۵ ہجری ازین پانانی
 عالم جاودانی شدہ سید
 کرامت علی ہوشیار نے الہدیہ سمرہ جنازہ
 مرحوم ابن تاریخ فرمودہ قطع
 رفت سفر است ازین باغ بہرہ روح سبک فیز
 جو باد نسیم ہوا آفت غیب از سراج
 گفتند خلد برین جا سے محمد کریم

